

چاپ نوشت (۱۴)

کتابخانه ملی طهران در دوره مشروطه و فهرست کتاب‌های آن

مجید جلیسه

| ۲۵ - ۸۶ |

۲۵

آینه پژوهش | ۲۰۷
سال ۳۵ | شماره ۳
مرداد و شهریور ۱۴۰۳



چکیده: بعد از تعطیلی کتابخانه ملتی مرکزی ایران همزمان با داغ شدن موضوع مشروطه عده‌ای از معارف خواهان تصمیم به راه‌اندازی کتابخانه‌ای می‌گیرند. این کتابخانه با نام کتابخانه ملی طهران در سال ۱۳۲۴ قی افتتاح می‌گردد و بعد از دو سال و پنج ماه همزمان با به توپ بستن مجلس به کار خود پایان می‌دهد. مؤلف در این مقاله به موضوع چگونگی تأسیس، اعضای مؤسس، واقفان و اهداکنندگان کتاب، فهرست کتابهای اهدایی و چرایی تعطیل شدن این کتابخانه پرداخته است.

کلیدواژه‌ها: کتابخانه ملی طهران، میرزا آقا اصفهانی، نصرالله تقوی، قاجار، مشروطه، دفتر ثبت کتابهای اهدایی.

Notes on Publishing Books (14):

The Tehran National Library During the Constitutional Era and Its Catalog of Books

By: Majid Jaliseh

Abstract: After the closure of the Central National Library of Iran and with the rising importance of the Constitutional Revolution, a group of intellectuals decided to establish a new library. This library, named the Tehran National Library, was inaugurated in 1324 AH and ceased operations after two years and five months, coinciding with the cannon fire on the Majlis (parliament). The author of this article discusses the establishment process, founding members, donors and benefactors, the catalog of donated books, and the reasons behind the library's closure.

Keywords: Tehran National Library, Mirza Agha Isfahani, Nasrollah Taqavi, Qajar, Constitutional Revolution, Donated Books Register.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

چنانچه در مقاله پیشین اشاره شد، بعد از تعطیلی کتابخانه ملتی مرکزی ایران در حدود سال ۱۳۱۹ق، قرائت‌خانه‌هایی چون «قرائتخانه عمومی دارالخلافة»، «قرائتخانه مظفری» و «کتابخانه الیانس» راه‌اندازی گردید. این اماکن تنها مأوای اهالی و علاقه‌مندان کتاب به شمار می‌رفت که در جامعه آن روزگار روزبه‌روز بر تعدادشان افزوده می‌شد.

هرچند این اندک قرائت‌خانه‌ها تاحدی گره‌گشای برخی نیازهای علاقه‌مندان به کتاب و کتابخوانی بودند، اما به‌دو دلیل نتوانستند به موفقیت آنچنانی دست یافته و با جامعه کتابخوان ارتباط لازم را برقرار نمایند. اولاً قرائت‌خانه‌ها برای راه‌اندازی نیاز به مکان، اسباب و اثاثیه ابتدایی و خرید کتاب، مجلات و روزنامه‌های مختلف داشتند و هزینه اولیه این امکانات و هزینه‌های جاری آن می‌بایست از طریق دریافت ورودی و آبونمان تهیه می‌گردید، که به جهت سطح پائین زندگی و درآمد مردم آن روزگار جمع‌کثیری از مردم توانایی پرداخت این هزینه را نداشتند. دوم آنکه تعداد و تنوع کتاب‌ها و جراید قرائت‌خانه‌ها به اندازه‌ای نبود که بتوانند طیف وسیعی از سلیقه‌ها و یا نیازهای اهل مطالعه را مرتفع سازد. از همین‌رو عمر مفید این قبیل قرائتخانه‌ها آنچنان که باید زیاد نبود و اغلب خیلی زود به تعطیلی کشانده می‌شد.

مجدالاسلام کرمانی (۱۲۸۸-۱۳۴۲ق) از جمله افرادی بود که حدود سال ۱۳۲۲ق قرائت‌خانه‌ای راه‌اندازی می‌کند و به قول خود: «در افتتاح قرائت‌خانه و ترتیب کتاب‌خانه زحمتهای کشیده مخارج بسیار نموده مدتی هم دایر بود ولی چون ترتیب آن اساسی نبود دوامی که منظور مؤسس بود پیدا ننمود و غیر از آنکه قریب پانصد تومان بر بنده ضرر وارد آورد فایده دیگر از آن بر ملت عاید نشد» (مدرک شماره ۴) او در یادداشتی در روزنامه ادب به تفاوت میان کتابخانه و قرائت‌خانه اشاره و موضوع دریافت پول را از جمله مهمترین چالش‌های قرائت‌خانه‌ها برمی‌شمرد و بیان می‌کند که چون او ناگزیر از هر واردی سه‌شاهی حق‌الورد می‌گرفته از این جهت کسی رغبت به آمدن به این قرائت‌خانه را نداشته و قرائت‌خانه دوام پیدا نکرده و تعطیل می‌شود. (مدرک شماره ۴) با همه این اوصاف در آن دوران تأسیس قرائت‌خانه‌ها از جمله تلاش‌هایی بود که اهالی فرهنگ برای سوق دادن مردم به سمت مطالعه کتاب و روزنامه انجام می‌دادند.

در همین دوران قرائت‌خانه دیگری نیز در تهران افتتاح می‌گردد که ناظر به جریان ملی‌گرایی که در جامعه براه افتاده است مؤسس آن با اضافه نمودن صفت ملی بدان

سعی در تشویق افراد دیگر جهت همراهی و همکاری در توسعه این قرائت‌خانه می‌نماید. صفتی که در روزگار پیش از مشروطه به کرات در روزنامه‌ها و اعلان‌ها و برخی از کتاب‌ها به کار برده می‌شد. در این دوران با دگرگون شدن نقش مردم در حکومت و توسعه اندیشه ملی‌گرایی واژه‌هایی چون «وطن»، «ملت»، «ملی» و... آنچنان پرسامد می‌گردد که در برخی از نشریات به صورت طنز بدان پرداخته می‌شود. (تصویر شماره ۱)



تصویر ۱. روزنامه کشکول طهران، سیزدهم ربیع‌الاول ۱۳۲۵ق، ص ۴.

سید حسین بن ابراهیم رزاز تجریشی و جمعی از خیرخواهان و مدیران مدارس در رمضان سال ۱۳۲۴ق قرائت‌خانه ملی دارالخلافة را در دروازه قزوین جنب بازارچه مهدی‌خان، مغازه‌های فوقانی افتتاح می‌نمایند.^۱ تجریشی برخلاف قرائت‌خانه‌های پیشین که توسط یک فرد و یا چند نفر به صورت انحصاری تأسیس می‌گردید، سعی میکند با تشویق عموم مردم اعم از علما، وزرا، امرا، تجار و... این قرائت‌خانه را فی‌الواقع قرائت‌خانه‌ای ملی نماید. (مدرک شماره ۱) البته طی اعلانی که در این خصوص در نشریه تربیت منتشر می‌گردد، مشخص می‌شود که این قرائت‌خانه صرفاً جهت مطالعه روزنامه تأسیس شده و بنایی برای مطالعه کتاب و دیگر مواد خواندنی در آن نیست. (مدرک شماره ۱)

۱. قرائت‌خانه‌های ایران، ۲۳.

مدرک شماره ۱

اعلان تأسیس قرائت‌خانه ملی در تهران

[۶ رمضان ۱۳۲۴]

«اعلان

تأسیس قرائت‌خانه ملی در دارالخلافه تهران

در دروازه فرزویں جنب بازارچه مهدی‌خان مغازه‌های فوقانی

در این اوقات این اقل السادات دعاگو سیدحسین رزاز ابن باراهیم تجریشی به امداد جمعی از خیرخواهان وطن و مدیران مدارس، تأسیس قرائت‌خانه نموده‌ام و خدمتی بزرگ به دوائر ملت کرده‌ام و نام نیکی در روزگار به‌یادگار گذاشته هرگاه سایر هموطنان و آقایان و مدیران مدارس در این امر خیر شرکت نمایند خدا و رسولش را از خود راضی خواهند داشت.

از عموم آقایان دارالخلافه یعنی خیرخواهان دولت و ملت اعم از علمای عظام و وزراء فخام و امرای دربار سپهر احتشام و تجار ذوی‌العز و الا احترام و برادران دینی درخواست می‌نماییم که در این امر خیر با ما شرکت فرموده اجر معاونت خود را از حضرت رب‌العزه بخواهند.

ضمناً آقایان مقیم دارالخلافه الباهره این بنده را از خود متشکر نموده و خود را در انظار خارجه و داخله ایران جلوه و شکوهی تازه بخشند برای جمع‌آوری و وجوه اعانه در هر ماهی به‌قدر قوه و استطاعت اقدام در احتشام تأسیس در قرائت‌خانه ملیه خیریه اسلامی بنمایند.

اشخصای که از آقایان محترمین میل به خواندن جراید و روزنامه‌جات دارند از هر قبیل حاضر و آماده است.»^۱

این قرائت‌خانه از قرار معلوم دارای نظام‌نامه‌ای بوده که به صورت مجزا چاپ و منتشر شده اما مع الاسف اطلاعاتی از مواد این نظام‌نامه در دسترس نیست. (مدرک شماره ۳) از چگونگی فعالیت و عاقبت این قرائت‌خانه اطلاعاتی در دسترس نیست اما به نظر می‌رسد این قرائت‌خانه نیز عمر چندانی نداشته است.

مدرک شماره ۲

توضیح روزنامه تربیت در خصوص قرائت‌خانه ملی تهران

[۶ رمضان ۱۳۲۴]

«تربیت

شرح این قرائت‌خانه را ان شاء الله بعد از مشاهده در مُره‌های آتیه درج خواهیم نمود. آنچه در این جا نگاشته شد صورت همان اعلان خود قرائت‌خانه است که طبع و منتشر کرده اند. شک نیست که قرائت‌خانه از امکان شریفه و محل دانش و آگاهی است و اگر شرایط آن موجود باشد تفنن معقول درست و حسابی خواهد بود که انسان وقتی را به سعادت و کسب اطلاع می‌گذراند و به خوبی مشغول می‌شود. نه گرفتار بطالت و کسالت و بیکاری است نه به کار بد و باطل و مضر گذرانده و یکی از فواید قرائت‌خانه در صورتی که درست شود به دست آوردن همدم و همصحبیت خوش‌مشرّب باذوق اهل علم است و همه کس می‌داند که نادر طبیعی می‌تواند به‌تنهایی بگذراند و اهل انس و الفت و گفت و شنید نباشد.»^۲

۱. همان، به نقل از: روزنامه تربیت، ش ۴۱۸، ۶ رمضان ۱۳۲۴، ص ۲۲۶۴.

۲. همان، ص ۱۶۰ به نقل از: تربیت، ش ۴۱۸، ۶ رمضان ۱۳۲۴، ص ۲۲۶۴.

مدرک شماره ۳

گزارش بازگشایی قرائت‌خانه ملی تهران

[۵ شوال ۱۳۲۴]

«قرائت‌خانه ملی نزدیک دروازه قدیم قزوین چنانکه پیش‌تر هم در ضمن اعلانات و غیره ذکری از آن کرده بودیم دایر است و طالبان فیض را در کمال خوبی مستفیض می‌نماید. اعمال در این سرای درایت و دانش مرتب و منظم و اسباب کار به اندازه‌ای که در اول کار ممکن می‌شود فراهم می‌باشد. نظامنامه این قرائتخانه را طبع و منتشر کرده‌اند و چندان به ذکر و تذکار و تجدید و تکرار ندارد، مع‌ذلک ان‌شاء‌الله شرحی به قدر کفایت از آن در نمره آتیه می‌نویسیم و دور و نزدیک را بهتر و خوب‌تر مطلع و مستحضر می‌نمایم»^۱

در سال ۱۳۲۵ ق در تبریز نیز عده‌ای از مردم که خود را ترقی‌خواه می‌نامیدند مترصد راه‌اندازی کتابخانه‌ای ملی بودند، چنانچه در نظام‌نامه حزب خود یکی از شروط عضویت را اهتمام به افتتاح کتابخانه و قرائت‌خانه دانسته‌اند:

«اشخاصیکه منسوب بهیئت ترقی خواهانند باید دارای صفات ذیل باشند، اولاً از روی علم و اطلاع باندازه‌ای از حقوق خویش و ابناء وطن آگاه باشند، و راه ترقی را از روی بصیرت کامله بفهمند، با ادله و براهین تاریخی بمملیکه وطن را در حسیض نادانی و نکبت گذاشته ملتفت باشند و تمام هم خود را در ترویج مدارس و نشر معارف و افتتاح کتابخانه و قرائت‌خانه و مکاتب صنایع و زراعت مصروف دارند...»^۲

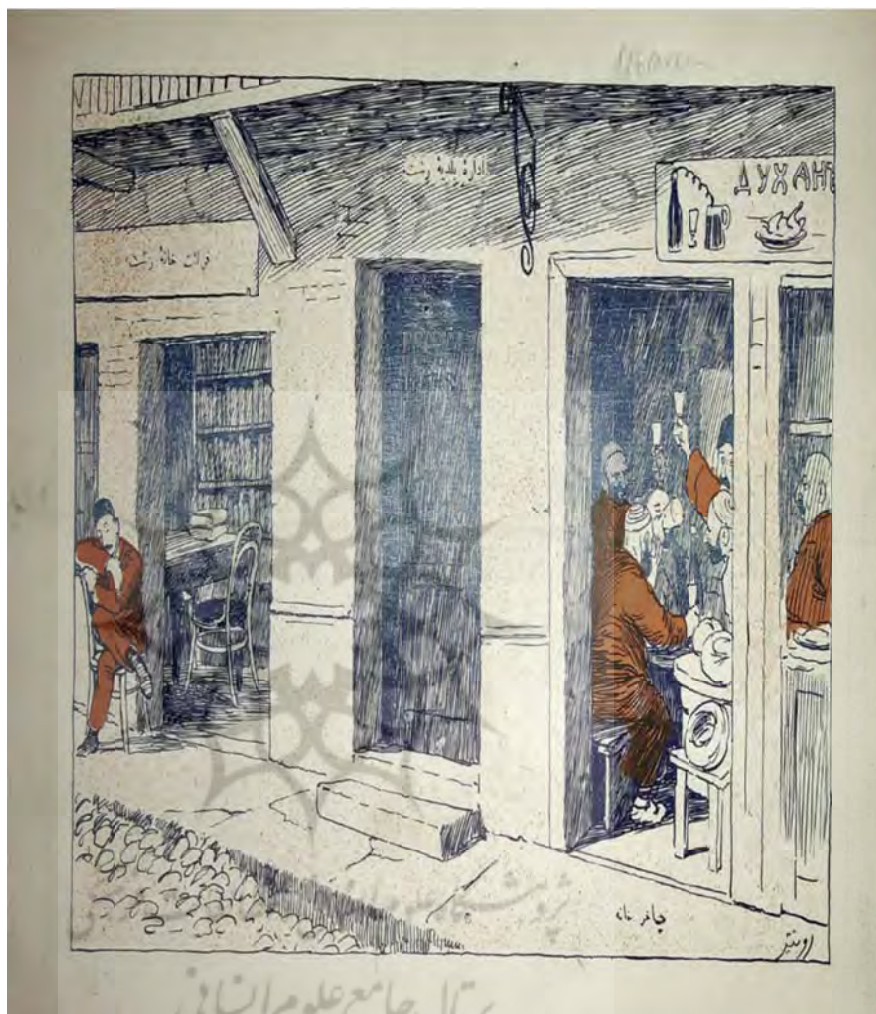
معارف‌خواهان و مشروطه‌طلب‌ها بسیار بیشتر از دولت‌مردان و صاحب‌منصبان حکومتی به اهمیت وجودی کتابخانه پی برده و طالب آن بودند. اساساً احساس نیاز به این مهم در ساختار حاکمیت دیکتاتوری آن روزگار وجود نداشت و از طرفی ساختار اداری وزارت علوم و معارف نیز آنقدر ابتدایی و کوچک بود که موضوعی با این اهمیت امکان طرح و رشد در آن پیدا نمی‌نمود. همین رویه در سال‌های بعد و دوران حکومت محمدعلی‌شاه نیز ادامه پیدا نموده و تا مدت‌ها درکی برای انجام چنین کار مهمی در ساختار حکومت پیدا نمی‌شود. به نظر می‌رسد یکی از دغدغه‌های حکومت برای راه‌اندازی چنین کتابخانه‌ای مسأله هزینه‌های آن است، این در حالی است که راه‌اندازی یک کتابخانه آنهم از نوع ملی و یا عمومی هزینه آنچنان زیادی بر دولت تحمیل نمی‌کرد و راهکارهای متعددی برای راه‌اندازی هرچه کم‌هزینه‌تر و آسان‌تر چنین

۳۰

آینه پژوهش | ۲۰۷
سال ۳۵ | شماره ۳
مرداد و شهریور ۱۴۰۳

۱. همان، ۱۶۰ به نقل از: تربیت، ش ۴۲۱، ۵ شوال ۱۳۲۴، ص ۲۲۸۶.

۲. صور اسرافیل، سال اول، شماره ۱۴، ۱۰ شعبان ۱۳۲۵ ق، ص ۸. (صورت نظامنامه طرفداران هیئت ترقی خواهان تبریز)



۳۱

آینه پژوهش | ۲۰۷
سال ۳۵ | شماره ۳
مرداد و شهریور ۱۴۰۳

تصویر ۲. کاریکاتوری در مقایسه‌ی کسادی قرآنتخانه رشت با چای‌خانه‌ای در کنارش (روزنامه‌ی ملانصرالدین، شماره ۲۹، ۲۱ رجب ۱۳۲۸، ص ۸)

کتابخانه‌ای توسط دولت وجود داشت. چنانچه در همین اوقات فردی با نام اختصاری (م ح) با نگارش چندین یادداشت در روزنامه‌ی ندای وطن ضمن اشاره به اهمیت راه‌اندازی کتابخانه‌ی ملی پیشنهادهاتی از این دست را نیز مطرح می‌کند:

«دولت ایران از سابق کتابخانه به‌قاعده دارد. جنت مکان مظفرالدین شاه مغفور که در ایام ولیعهدی در تبریز کتابخانه‌ی بزرگی داشت به تهران حمل و نقل شده و

اعلیحضرت شاه حاضر نیز در ایام ولیعهدی در تبریز کتابخانه داشت. آن نیز به طهران نقل شد. اکنون در کتابخانه دولتی چندین کتاب‌هاست که نسخه آنها مکرر است، به کسی مقرر فرمایند تمامی آنها را ملاحظه و بازدید نمایند. از هر نسخه هرآن که نفیس و لایق خزینه و کتابخانه دولتی است، در حال خود باقی گذاشته، مابقی را که مکررات است به کتابخانه ملی مرحمت فرمایند و آن بازدیدکننده خبره باشد هر کتابی قلمی یدی که تاحال از آن چاپ نشده، خاطر نشان کرده اگر نسخه باقی [مان]ده باشد بدهند از وی استنساخ و چاپ نمایند. مدیران جراید نیز از هر روزنامه یک نسخه مجانی به کتابخانه ملی بدهند، یا فرداً فرد از نسخه‌های یومیه و هفته بدهند یا اینکه سر سال جلد کرده بدهند.^۱

کتابخانه ملی طهران

با بی‌توجهی حکومت و وزارت علوم و معارف باردیگر این مردم و معارف خواهان هستند که مترصد راه‌اندازی کتابخانه‌ای عمومی و یا ملی در شهر تهران می‌شوند. با داغ شدن موضوع مشروطه در کنار تشکیل گروه‌های سیاسی و حزبی میرزا آقا اصفهانی (۱۲۸۲-۱۳۰۲ ق) با همراهی جمعی از معارف خواهان جلسه‌ای را در منزل خود ترتیب می‌دهد و بعد از بحث بسیار، به همراه دیگر همراهانش طی اقدامی عاجل دست به افتتاح کتابخانه‌ای مفصل می‌زند. (مدرک شماره ۴) این کتابخانه آنچنانکه در پایان نظامنامه آن درج گردیده «اول حمل سنه ۱۳۲۴ ق» یعنی در ماه فروردین سال ۱۲۸۵ هجری شمسی رسماً افتتاح می‌گردد. خبر بازگشایی این کتابخانه بلافاصله در جراید آن روزگار من جمله روزنامه ادب درج می‌شود. (مدرک شماره ۴)

مدرک شماره ۴

[مقاله‌ای درخصوص فواید کتابخانه ملی و اعلان آغاز به‌کار کتابخانه ملی]

[۱۷ صفر ۱۳۲۴ ق]

«کتابخانه ملی»

شک نیست که عالم محتاج بعلم است و بدون علم بنای عالم پای‌دار نگردد و حوزه انسانیت رونق نپذیرد و انتشار علم در هر مملکت موقوف است بتأسیس مدارس و تکثیر روزنامجات بلکه کلیه مطبوعات و هر قدر بازار علم

۱. اخبار و اعلان کتاب و کتابخانه به روایت مطبوعات، ۳۷۱، به نقل از: روزنامه ندای وطن، سال اول، شماره ۱۶۹ و ۱۷۰، ۲۷ ذی‌حجه ۱۳۲۵ ق، ص ۷.

زیادتر رایج گردد احتیاج مردم بکتاب زیادتر میشود چه هر علمی در کتاب تدوین میشود و معلوم است هیچ کسی نیست بتواند تمام کتاب‌های مطبوعه عالم را در یک‌جا جمع نماید و بشخصه خریداری کند مگر اینکه بقانون ملل متمدنه باعانت بزرگان مملکت و دانشمندان ملت کتاب‌های نافع که بدر مردم می‌خورد جمع‌آوری شده در محلی مخصوص باسم (کتاب‌خانه ملیه) یا قرائت‌خانه حاضر نمایند و عموم مردم را اجازه دهند که بهرکتابی محتاج می‌شوند بآن کتاب‌خانه می‌روند و بمقصد خود کامیاب می‌شوند و در شهری که اینگونه کتابخانه نباشد هر قدر مدرسه و روزنامه باشد نتیجه عمده بحال عموم نخواهد داشت اما مدرسه از این جهت که مدرسه محل تعلیم اصول و مبانی علوم است و از هر علمی نهایت یک کتاب اگر بتوانند تدریس نمایند مابقی را باید در صحف و اوراق کتابهاییکه علمای آن فن نوشته‌اند ملاحظه نمایند و همه کس مکتب خرید هر قسم کتاب را ندارد پس محتاج است به کتاب‌خانه ملیه که دارای همه قسم کتاب باشد اما روزنامه علاوه از اینکه همه قسم مطالب علمیه را رسم نیست در روزنامه بنویسند و ایده و سلیقه مردم هم مختلف است و هرکس طالب یک مسئله و مبحث مخصوص است خود روزنامه را هم از کثرت تعدد نمیتوان جمع نمود و از هیچ کدامش هم شخص عالم نمیتواند اغماض نماید چه هر کدام مشتمل بر فوائد مخصوصه‌ایست که دیگران ندارند پس روزنامه و مدرسه احتیاج ما را به کتابخانه مضاعف نموده است و عجب این است که تا کنون در احداث کتاب‌خانه اهمیتی نشده و اگر شده است بحد کمال و حالت رشد نبوده است چنانچه خود این بنده هم دوسال قبل از این در افتتاح قرائت‌خانه و ترتیب کتاب‌خانه زحمتهای کشیده مخارج بسیار نموده مدتی هم دایر بود ولی چون ترتیب آن اساسی نبود دوامی که منظور مؤسس بود پیدا نمود و غیر از آنکه قریب پانصد تومان بر بنده ضرر وارد آورد فایده دیگر از آن بر ملت عاید نشد ولی این اوقات بهمت جناب مستطاب فاضل معظم مفخم آقامیرزا آقا تاجر اصفهانی مجلسی مرکب از جمعی غیرتمندان در خانه مشارالیه تشکیل یافته در این مرحله بحث‌ها نموده عاقبت با اقداماتی سریعه افتتاح کتابخانه مفصل موفق گردیدند و هریک از بزرگان و اعیان هم مقداری کتاب برای آنجا فرستاده و بعضی هم مبلغی اعانت ماهانه بر ذمه خود گرفتند که مصارف کرایه محل و مواجب مدیر و مستخدم برسد. از واردین بدون اجرت و حق‌الورود پذیرائی نمایند و ترتیب صحیح کتاب‌خانه همین قسم است نه آنطوری که بنده اقدام نموده و تمام مصارف را بشخصه متحمل میشدم و از هر واردی سه‌شاهی حق‌الورود می‌گرفتم از این جهت کسی رغبت بآمدن نداشت مجملاً بحمدالله تعالی کتاب‌خانه مبارکه بطوری که منظور نظر دانشمندان قوم بود دائر شده و محل موقتی آن در پهلوی مدرسه مبارکه دارالشفاء در خانه جناب مستطاب اجل اعظم السلطنه است و عما قریب بهمت و اعانت بزرگان محلی دائمی از برای این اداره خریداری خواهد شد و دفتر اعانه بجهت قیمت خانه گشوده و سرلوحه آن دفتر موشح است باسم مبارک حضرت مستطاب اشرف ارفع اقدس افخم اتابک اعظم که الحق وجود مقدسش سردفتر ترقی طلبان و پیش قدم وطن‌پرستان است بلکه باو از بلند می‌گوئیم تمام این اثرات از وجود مبارک او ظاهر شده است «گرچه از حلقوم عبدالله بود» و علاوه از تمجیدات فوق‌العاده و تشریفات بی‌اندازه که از تأسیس این مقدس فرمودند مبلغ یکصد تومان هم اعانه کرم فرمودند و انشاءالله تعالی سایر وزراء عظام و امراء فخام هم مساعدت می‌فرمایند تا این اساس مقدس بیادگار این عصر معارف حصر در صفحه عالم برقرار بماند و انشاءالله تعالی شعبه آن بتمام ولایات داخله کشیده خواهد شد و صریحاً می‌گوئیم آنها که از ترقی این ملت مأیوس هستند و شاید اولیای امور را مانع میدانند خبیطی بزرگ کرده‌اند چه حساً ملاحظه مینمائیم هر قسم اقدامی که دانشمندان ملت در آبادی مملکت اراده نمودند هزار قسم مساعدت از طرف امناء دولت با او شده است که گر کاهل بود تقصیر صاحب خانه چیست حالا اگر مؤسس غرض دیگر داشته یا بی‌رحمانه مال ملت را تلف نموده و هزار عیب دیگر دخلی بدولت ندارد و الحق این اقدامات در اعلی درجه استحکام است چرا که مؤسس و معاونین تمام مردمان بی‌غرض صاحب مکتب هستند و مراقبت خاصه در آن هم با شخصی از اعظم و اجله سادات عالی درجات که در تدین و تمدن شهره آفاقند و انشاءالله تعالی در شماره آتی توضیحات خواهیم نگاشت»^۱

محمدحسین ذکاء‌الملک طی یادداشتی در روزنامه تربیت ضمن اشاره به اهمیت کتابخانه برای انتشار و اشاعه علم تأکید می‌کند که «کرسی مُلک یا پای تخت مملکت مخصوصاً کتابخانه عمومی می‌خواهد یعنی کتابخانه‌ای که همه کس بتواند برود در آن بنشیند و هر کتابی را که می‌خواهد بطلبد، بگیرد، بخواند، از روی آن مطالب بنویسد و استخراج کند و بیرون آید» او در ادامه این مقاله به افتتاح این کتابخانه اشاره و اعلانی از کتابخانه را نیز در همین شماره روزنامه منتشر می‌نماید و نوید آنرا می‌دهد که طی شماره‌های آتی نظامنامه آنرا نیز برای اطلاع عموم منتشر نماید. (مدرک شماره ۵)

مدرک شماره ۵

[اهمیت کتابخانه ملی در کشور]

[۶رمضان ۱۳۲۴]

«کتابخانه ملتی

کارها وقتی بسامان میرسد که اسباب آن فراهم باشد و شرایط و شیوع و رواج معارف نیز مثل سایر کارها موجبات و شروطی دارد و علت معده و شرط عمده یا جزء متمم عمل نشر و انتشار علم و اشاعه و ترویج دانشهای وقت کتابخانه ملتی است که کمک بزرگ کار و اسباب تسهیل مشکلات طالبان معرفت از غنی و فقیر میشود مخصوصاً برای مردم بی‌بضاعت یا کم استطاعت که نمیتوانند تحصیل هرنسخه و کتابی بصندوق و کیسه خود رجوع کنند و ناچارند که بعاریت و امانت مطلوب مرغوب را بدست آرند و اگر کتابخانه ملتی دایر باشد و شهر باین زینت معنوی مزین شود ببها و ازای معدودی از دراهم ناقبل که همه کس را بدان دسترس است مراد و آرزو میسر و حاصل میگردد.

کرسی ملک یا پای تخت مملکت مخصوصاً کتابخانه عمومی می‌خواهد یعنی کتابخانه که همه کس بتواند برود در آن بنشیند و هر کتابی را که می‌خواهد بطلبد بگیرد بخواند از روی آن مطالب بنویسد و استخراج کند و بیرون آید و در ممالک متمدنه اولاً کتابخانه عمومی اسباب اعتبار پای‌تخت و رقابت کرسیهای دول بایکدیگر میباشد ثانیاً رفع حاجت طلاب و مؤلفین و مصنفین و ارباب تفنن و غیره را مینماید و ثالثاً چنانکه در فوق ذکر شد علوم و معارف را شایع و منتشر می‌سازد. البته عظمت کتابخانه عمومی لندن و پاریس و برلن و غیره را شنیده‌اید و علاوه بر پای‌تختها بلادی که علم در آنها پیشرفتی بهم رسانیده نیز کتابخانه عمومی دارد و این مقدمه انشاءالله تمامتر و کاملتر بعرض مطالعه‌کنندگان میرسانیم. عجاله نتیجه این است که از چند سال قبل این حرف را در این پای‌تخت هم می‌زنند و کاری میکنند و امیدواری این اوقات آن است که ظاهراً کتابخانه ملتی بریاست جناب مستطاب معظم دانشمند فاضل ادیب ارباب آقای آقاسیدنصرالله از سادات بلندمقام اخوی دامت افاضته دایر باشد. در این صورت پیشرفت و استقرار و استکمال آن متصور و ممکن است چه جناب معظم شرایط و کفایت این امر مهم را دارد و از وطن‌پرستان آگاه ما بشمار می‌آید.

این اشاره بود از کتابخانه ملتی یا عمومی که نظامنامه داری و بعدها آن را نیز برای استحضار عموم اهل مملکت و ملت در این اوراق درج و منتشر خواهیم نمود فعلاً بذکر و نقل اعلانی که این اوقات از کتابخانه مبارکه ملی دیده‌ایم اقتصار مینمائیم اعلان مزبور با آنکه جداگانه هم طبع شده و انتشار یافته درج آن لازم مینماید و صورت آن تقریباً این است.^۱

۳۴

آینه پژوهش | ۲۰۷

سال ۳۵ | شماره ۳

مرداد و شهریور ۱۴۰۳

اعضای مؤسس کتابخانه ملی طهران

مجدالاسلام کرمانی (۱۳۴۲-۱۲۸۸ق) کمی بعد از افتتاح کتابخانه ملی طهران در یکی از اولین گزارش‌های منتشره درباره این کتابخانه مؤسس آنرا میرزا آقا تاجر اصفهانی ذکر می‌کند.

«... ولی این اوقات بهمت جناب مستطاب فاضل معظم مخم آقامیرزا آقاتاجر اصفهانی مجلسی مرکب از جمعی غیرتمندان در خانه مشارالیه تشکیل یافته در این مرحله بحث‌ها نموده عاقبت با اقداماتی سریعه افتتاح کتابخانه مفصل موفق گردیدند...»^۱

از این گزارش کاملاً مشخص است که بنای تأسیس این کتابخانه توسط میرزا آقا و در منزل خود او شکل می‌گیرد. موضوعی که ناظم‌الاسلام کرمانی (۱۳۳۷-۱۲۸۰ق) نیز بدان اشاره نموده و مؤسس این کتابخانه را میرزا آقا اصفهانی از تجار معروف می‌داند، که نصرالله تقوی، نصره‌الملک، ملک‌المتکلمین و جمعی دیگر را با خود متحد نمود و به آنها پول داد و پول جمع کرد تا کتابخانه ملی را دایر نمایند.^۲

اما شائبه‌ای که برای برخی از تاریخ‌نگاران پیش آمده که نامی از میرزا آقا اصفهانی نبرده، بلکه نصرالله تقوی را مؤسس این کتابخانه می‌دانند^۳ از آنجا شکل می‌گیرد که محمدحسین ذکاءالملک فروغی (۱۳۲۵-۱۲۵۵ق) طی یادداشتی که در باب اهمیت کتابخانه ملی و خبر راه‌اندازی کتابخانه در روزنامه خود منتشر می‌کند، اشاره می‌نماید که این کتابخانه بریاست سید نصرالله از سادات بلندمقام اخوی دایر شده است.^۴ موضوعی که با انتقاد شخص نصرالله تقوی مواجه شده و طی یادداشتی که برای این روزنامه ارسال می‌کند ضمن تکذیب این موضوع تأکید می‌کند که اداره این کتابخانه از قید شخص خارج است. (مدرک شماره ۶)

۱. روزنامه ادب، سال پنجم، شماره ۱۸۲، ۱۷ صفر ۱۳۲۴، ص ۳ و ۴.

۲. تاریخ بیداری ایرانیان، ۳۶۲/۲.

۳. مرسولوند نیز به اشتباه سال تأسیس کتابخانه ملی را ۱۳۲۲ق دانسته و اشاره می‌کند که تقوی باتفاق میرزا محمدعلی خان نصره‌السلطان و ملک‌المتکلمین اقدام به تأسیس کتابخانه ملی نموده است. رک: زندگینامه رجال و مشاهیر ایران، ۲۷۰/۲.

۴. روزنامه تربیت، شماره ۴۱۸، پنج‌شنبه ۶ رمضان، ۱۳۲۴، ص ۲۲۶.

«... اینکه نسبت مدیری این کتابخانه را به مخلص داده بودند لازم دانستم از جناب عالی تمنا نمایم این مسئله را تکذیب فرمایید. چه اولاً شخص بنده تا به حال به عنوان خاصی در امر کتابخانه خود را مخصوص نکرده‌ام و ثانیاً در ابتدا وکلای حالیه کتابخانه که مؤسسین آن هستند و اسامی آنها در ذیل همان نظامنامه که درج فرموده‌اید ثبت است با یکدیگر عهد اتفاق کرده‌اند که اداره این کتابخانه به کلی از قید شخصیت خارج بوده...»^۱

با توجه به آنچه در روزنامه ادب آمده مسلم است که بنای تأسیس این کتابخانه از ابتدا تحت اشراف و مدیریت میرزا آقا اصفهانی بوده است. اما در فاصله افتتاح این کتابخانه و خبری که در ماه صفر همان سال در روزنامه ادب منتشر شده تا اطلاع و گزارشی که در ماه رمضان همان سال در روزنامه تربیت منتشر می‌گردد، چه اتفاقی افتاده که نام میرزا آقا اصفهانی دیگر مطرح نیست و حتی در جمع امضاء کنندگان نظامنامه نیز نام او دیده نمی‌شود؟

میرزا آقا اصفهانی ملقب به اعتمادالملک فرزند آقاخان از آنجا که حدود سال ۱۳۱۱ق در تهران به فروش نفت مشغول بود به نفتی شهرت پیدا می‌کند. او بعدها به استانبول رفته و با میرزا بزرگ معاون‌التجار به تجارت مشغول می‌گردد و به همین جهت به اسلامبولی نیز مشهور می‌شود. وی در سال ۱۳۱۸ق برای مدت کوتاهی به تهران می‌آید ولی مجدداً به استانبول بازگشته و راهی اروپا می‌شود. در سفر مظفرالدین شاه به پاریس (ربیع‌الثانی ۱۳۲۳ق) او نیز در این شهر بود و موفق به ملاقات با رجال دربار ایران از قبیل ابوالقاسم خان قره‌گوزلو همدانی ملقب به ناصرالملک (۱۲۸۲-۱۳۴۶ق) و صدر اعظم وقت میرزا عین‌الدوله (۱۲۶۱-۱۳۴۵ق) می‌شود. در این دیدار با عین‌الدوله ارتباط نزدیکی گرفته و تصمیم می‌گیرد که به ایران بازگردد.^۲ بازگشت او به ایران در بحبوحه جریان مشروطه‌خواهی است و او نیز که افکار مشروطه‌خواهی داشته شروع به نگارش مجموعه یادداشتی با عنوان «مدافعه وطن» در روزنامه حبل‌المتین کلکته می‌کند. وی راه حل مشکلات و نابسامانیهای جامعه را تأسیس مشورتخانه می‌داند. هرچند به نظر می‌رسید که او رابطه‌ای نزدیک با عین‌الدوله داشته تا جایی که عین‌الدوله از او تقاضا

۱. روزنامه تربیت، شماره ۴۲۸، پنج‌شنبه ۲ ذی‌الحجه ۱۳۲۴.

۲. شرح حال رجال ایران، ۱۸۹/۴.

می‌کند تا دست به تدوین قانون بزند، اما در عمل از منظر عین‌الدوله و حکومت او به عنوان یکی از پیشگامان مشروطه خواهی و از اعضای لژیون بیداری به شمار می‌آید و همین موضوع باعث گردید تا در عصر روز ۲۱ ربیع‌الثانی سال ۱۳۲۴ ق حاکم تهران نیرالدوله را احضار و حکم دستگیری میرزا آقا اصفهانی، احمد مجدالاسلام و میرزا حسن رشديه سه عامل عمده این تحریکات را صادر نمایند. عین‌الدوله در مورد دستگیری میرزا آقا به نیرالدوله اظهار داشت:

«... میرزا آقا اصفهانی را هم که گاهگاهی در روزنامه حبل‌المتین کلکته فضولیه‌ها می‌کند و با رشديه هم مربوط است و در جلسات او شرکت دارد او را هم خوب می‌شناسم؛ زبان دراز، کج سلیقه، خودپسند، آزادخواهی است و بی‌تقصیر نیست او هم باید با اینها تبعید شود...»^۱

در نهایت در تاریخ ۲۴ ربیع‌الثانی ۱۳۲۴ ق میرزا آقا اصفهانی به همراه میرزا حسن رشديه دستگیر می‌گردد و این دو به همراه مجدالاسلام ابتدا به مشهد^۲ و بعد از مدتی به کلات تبعید شدند.^۳ میرزا آقا در کلات طی تلگرافی که برای سید محمد طباطبایی ارسال می‌کند، ضمن شرح گرفتاری اش به بدگویی از عین‌الدوله پرداخته و ابراز خوشحالی می‌کند که دستگیری وی موجب شد تا بر شایعه روابط دوستانه او و عین‌الدوله خط بطلان کشیده شود.

«اما شکر این است که بعضی از دوستان همچو تصور کرده بودند که این مرد از من دلخوشی دارد و من با او هم عقیده هستم ولی هرچه تصور می‌کنم جز آنکه دستورالعلمی از من خواست در ۲۴ شهر صفر فرستادم که اساس یک سلطنت مشروع قانونی بود از آن تاریخ به بعد از من دلسرد شده بود»^۴

در جریان مشروطه خواهی در نهم جمادی الثانی ۱۳۲۴ عین‌الدوله از سمت خود کناره گرفت و میرزا نصرالله خان مشیرالدوله به جای او به صدارت منصوب شد. و در نهایت در ۲۴ جمادی الثانی حکم آزادی میرزا آقا و مجدالاسلام صادر شد. اما او از سوی

۱. سوانح عمر، ۹۸.

۲. همان، ۹۹.

۳. سفرنامه کلات، ۱۸۴.

۴. تاریخ بیداری ایرانیان، ۳۶۷/۲.

مظفرالدین شاه از آنان خواست برای حفظ آرامش و پرهیز از ایجاد آشوب در جامعه پس از آزادی از آمدن به تهران اجتناب ورزند^۱ و بنابر همین حکم میرزا آقا اصفهانی به اسلامبول بازگشت و فعالیت تجاری و سیاسی خود را در این شهر از سر گرفت.^۲

با توجه به این جریان‌ها و اتفاقات است که اعضای مؤسس این کتابخانه تصمیم می‌گیرند که برای حفظ کتابخانه و جلوگیری از هرگونه آسیب اولاً اساسنامه را به تصویب علاءالملک (۱۲۵۸-۱۳۴۴ق)^۳ وزیر علوم و معارف وقت برسانند،^۴ ثانیاً آنچنانکه از تأکید میرزانشیراز تقوی در روزنامه تربیت آمده است «با یکدیگر عهد اتفاق کرده‌اند که اداره این کتابخانه به کلی از قید شخصیت خارج» نگهدارند. حفظ کیان کتابخانه آنچنان برای مؤسسین آن حائز اهمیت است که ضمن سکوت در خصوص نام بانی و مؤسس اولیه آن نام او را در ذیل نظام‌نامه کتابخانه نیز درج نمی‌کنند. در آن روزگار فشارهای سیاسی، زندان و تبعید کردن مشروطه‌خواهان آنچنان زیاد بود که بیم تعطیلی کردن کتابخانه حتی با کوچکترین حواشی و اتفاقاتی می‌رفت از نیروست که اعضای کتابخانه برای جلوگیری از این قبیل اتفاقات طی بند (۱۲) از فصل دوم نظام‌نامه کتابخانه ملی طهران که تکالیف استفاده‌کنندگان کتابخانه است، تأکید می‌کنند که «صحبت‌های دولتی و پولتیکی رأساً ممنوع است.» (مدرك شماره ۹) اعضای کتابخانه آنچنان برای وزارت علوم نقش پررنگی قائل می‌شوند که بجز تصویب اساسنامه توسط

۱. سفرنامه کلات، ۴۴۲/۲.

۲. در استانبول بدنبال اختلافات بین او و ارفع الدوله سفیر ایران مجبور به بازگشت به ایران شد و در تبریز مورد استقبال اعضای انجمن تبریز و مردم شهر قرار گرفت؛ و در تاریخ ۱۴ رمضان ۱۳۲۵ به عنوان نماینده مردم به مجلس شورای ملی اعزام شد. در ربیع‌الاول ۱۳۲۶ مجلس بنا به درخواست انجمن تبریز او را از نمایندگی تبریز عزل نمودند. پس از فتح تهران وی به همراه عده ای دیگر دستگیر و به مدت یکسال در حبس بود و در سال ۱۳۲۸ قمری آزاد گردید. وی طی سال‌های ۱۳۲۸ الی ۱۳۲۹ ق موفق به انتشار هفته‌نامه سیاسی با نام «عصر» می‌گردد. در سال ۱۳۳۱ ق به معاونت حکومت یزد منتصب گردیده که البته مورد اعتراض زردشتیان قرار می‌گیرد. حدود یکسال بعد به ریاست بلدیة طهران برگزیده و بعد از آن نیز حاکم قم می‌شود. در سال ۱۳۳۷ ق وثوق‌الدوله او را به ریاست اداره دخانیات گماشت که البته دوامی نداشت و یک سال بعد از اینکار نیز کنار گذاشته شده. متأسفانه از سال درگذشت وی اطلاعی در دست نیست.

۳. محمود بن علی اصغر مستوفی، ا در سال ۱۳۰۸ ق ملقب به علاءالملک گردید و طی سالهای ۱۳۲۳ الی ۱۳۲۴ در سمت وزیر علوم مشغول به فعالیت می‌گردد.

۴. موضوع تصویب اساسنامه توسط علاءالملک وزیر علوم از چنان اهمیتی برای مؤسسین برخوردار بود که در بند اول از فصل اول نظام‌نامه آن را درج و اعلام نمودند.

وزیر علوم، استعفای اعضای خائن را نیز منوط به اطلاع و نظر وزارت علوم برمی‌شمارند.
(مدرک شماره ۹)

نامه سید نصرالله تقوی به روزنامه تربیت در اصلاح یادداشت پیشین این روزنامه

[۲ ذی حجه ۱۳۲۴ق]

(مکتوب حقایق أسلوب)

مرقومه ذیل را جناب مستطاب شریعت نصاب معظم آقای آقاسید نصرالله تقوی از سادات جلیل القدر اخوی دام افضاله به بنده اقل مرقوم نموده می‌فرمایند [۱]:

«خدمت ذی شرافت مدیر محترم روزنامه مقدسه تربیت ادام الله بقائها زحمت عرض می‌دهم.

از توجهی که نسبت به کتابخانه ملی اظهار داشته شرح نظامنامه را در پاورقی آن روزنامه گرامی درج فرموده‌اند تمام وکلای کتابخانه ملی مراتب تشکرات خود را عرض داشته این جانب را واسطه ابلاغ آن قرار داده‌اند و بدیهی است حسن نیت و معارف‌پروری شخص جنابعالی مقتضی همه قسم همراهی است و در پیشگاه عالم انسانیت نیز مشکور خواهد بود. ولی اینکه نسبت مدیری این کتابخانه را به مخلص داده بودند لازم دانستم از جناب عالی تمنا نمایم این مسئله را تکذیب فرمایید. چه اولاً شخص بنده تا به حال به عنوان خاصی در امر کتابخانه خود را مخصوص نکرده‌ام و ثانیاً در ابتدا وکلای حالیه کتابخانه که مؤسسين آن هستند و اسامی آنها در ذیل همان نظامنامه که درج فرموده‌اید ثبت است با یکدیگر عهد اتفاق کرده‌اند که اداره این کتابخانه به کلی از قید شخصیت خارج بوده پس از این نیز هرکس خدمات آنها را به عهده گرفت فقط محض خدمت به عالم انسانیت و معارف بدون قبول اسم یا عنوانی باشد چه این مسئله دارای معایبی است که سبب اختلال امر و عدم ترقی و پیشرفت این اساس مقدس خواهد شد و از جنابعالی مخصوصاً خواهش می‌نمایم عین این مراسم را محض اطلاع عموم معاونین و کسانی که به این کتابخانه ملی نظر و توجهی دارند درج فرمایید. این موقع را مغتنم دانسته از طرف عموم وکلای کتابخانه از اداره جلیله تربیت تمنا می‌شود که یکدوره از آن روزنامه مقدسه را از ابتدای ظهور آن الی آخر سنه ماضیه در صورت امکان به کتابخانه ارسال فرمایید تا کتابخانه ملی جریده مرسله را یکی از یادگارهای قیمتی تاریخی خود شمارد»^۱

۳۹

آینه پژوهش | ۲۰۷
سال ۳۵ | شماره ۳
مرداد و شهریور ۱۴۰۳

قابل توجه آنکه در دفتر ثبت کتابخانه ملی طهران اولین اهداکننده و اولین نام ثبت شده «جناب میرزا آقا» درج گردیده است. (تصویر شماره ۷) البته لازم بذکر است که مطابق آنچه در پایان نظامنامه کتابخانه ملی طهران در ذیل «صورت امضای اعضای کتابخانه» آمده است این کتابخانه متشکل از هشت نفر از معارف خواهان و رجال سیاسی بوده که همگی آنها در تأسیس و اداره این کتابخانه سهم داشته‌اند و چه بسا سهم آنها اگر بیشتر از میرزا آقا اصفهانی نبوده کمتر نیز نیست. در بند اول از فصل اول نظامنامه ضمن اشاره به این افراد این احتمال داده شده که ممکن است اعضای کتابخانه تعدادشان به دوازده نفر نیز برسد، ولی هیچوقت بیشتر از این نخواهد شد. (مدرک شماره ۸) به هر روی معرفی این اعضا به قرار زیر است:

۱. برگی از تاریخ کتابخانه ملی، ۳۰ به نقل از: روزنامه تربیت، شماره ۴۲۸، پنج‌شنبه ۲ ذی‌الحجه ۱۳۲۴.

۱- نصرالله تقوی

سید نصرالله بن رضا بن سید میرزا اخوی طهرانی معروف به نصرالله تقوی از جمله عالمان برجسته روزگار خود بود که علم معقول و منقول را نزد میرزا ابوالحسن جلوه و میرزا حسن آشتیانی فراگرفت و برای تکمیل تحصیلات به عتبات رفت و از علمای نجف کسب فیض کرد و در همانجا از میرزا حسین نوری اجازه روایت و اجتهاد گرفت.^۱ او پس از اتمام تحصیلات به حج و سپس به اروپا سفر کرد. در سالهای نخستین انقلاب مشروطه به آزادی خواهان پیوست و هم‌زمان با تشکیل اولین دوره مجلس شورای ملی (۱۳۲۴-۱۳۲۶ق) از طرف طلاب تهران به نمایندگی برگزیده شد.^۲ وی یکی از ارکان اصلی کتابخانه ملی طهران به شمار می‌رود، هرچند او خود را فاقد عنوان خاصی در کتابخانه می‌داند اما بسیاری از فعالیت‌ها و کارهای کتابخانه زیر نظر او انجام گرفته و از جمله افراد بانفوذ اعضای کتابخانه بود.

۲- محمد علی لوائی ملقب به نصرت السلطان (۱۲۸۷-؟ق)

وی در سال ۱۲۸۷ق در تهران به دنیا می‌آید.^۳ در سال ۱۳۰۶ق نایب اول جنرال کنسولگری هند می‌گردد. در سال ۱۳۲۳ق به عضویت «انجمن مخفی» که در استقرار مشروطیت نقش بسزایی داشت درمی‌آید.^۴ و در اولین دوره مجلس شورای ملی نماینده مجلس می‌گردد. او مدتی نیز معاونت حکومت کرمان را عهده‌دار بود.^۵ از او آثاری نیز در قالب ترجمه و تألیف برجای مانده که از جمله آنها می‌توان به ترجمه کتاب «تاریخ مختصر یونان» نوشته ویکتور دوروی که به سال ۱۳۲۱ق در تهران به شیوه چاپ سنگی منتشر شده^۶ و نسخه خطی گزارشی به وزارت امور خارجه با عنوان «راپورت سیاسی و جنگی در باب آسیای مرکزی»^۷ اشاره نمود.

۴۰

آینه پژوهش | ۲۰۷
سال ۳۵ | شماره ۳
مرداد و شهریور ۱۴۰۳

۱. اجازه اجتهادی از او به نقل از یکی از شاگردان شیخ انصاری نیز موجود است که نمی‌دانیم دقیقاً متعلق به کدام مجیزی است. رک: فهرست کتابهای خطی کتابخانه آیه الله مرعشی، ۲۶۱/۲۱.
۲. دانشنامه جهان اسلام، ۸۰۶/۷.
۳. القاب رجال دوره قاجاریه، ۱۹۹.
۴. جمعیت‌های سری و فرماسونری، ۳۱۷.
۵. القاب و مناصب عصر قاجاری، ۳۸۲.
۶. فهرست کتب چاپ سنگی (فارسی) کتابخانه مرکزی تبریز، ۸۲.
۷. این نسخه در کتابخانه آستان قدس رضوی مشهد به شماره ۱۶۵۲۳ موجود است. رک: فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا)، ۲۰۰/۱۶.

۳- عبدالرحیم نوری (۱۲۸۸-؟ق)

فرزند یوسف که در تهران متولد شد و در سال ۱۳۰۷ به منصب سرهنگی دست یافت. در ۱۳۱۴ق به خدمت وزارت خارجه درآمد و یکسال بعد ملقب به مفتاح‌الملک گردید. در سال ۱۳۱۶ق به ژنرال کونسولی مصر منصوب شد. پس از گذشت سه سال، ریاست تشریفات محمدعلی شاه را در زمان ولیعهدی برعهده گرفت. برخی دیگر از مشاغل او عبارتند از: نیابت حکومت کردستان ۱۳۲۴ق، نیابت اولی سفارت بلژیک ۱۳۲۵ق، کونسولگری بادکوبه ۱۳۲۹ق و کارگزاری رشت ۱۳۳۲ق.^۱

۴- محمدعلی طهرانی

فرزند شیخ حسن فرزند ملامحمد جعفر مجتهد طهرانی معروف به چاله‌میدانی است. وی در دوره نوجوانی به تحصیل ادبیات فارسی، صرف و نحو عربی، منطق، ریاضی و هیئت پرداخت و پس از تکمیل آن علوم نزد استادانی چون میرزای آشتیانی، میرزا حسن کرمانشاهی و میرزا هاشم رشتی به تحصیل اصول، فقه، فلسفه، کلام و عرفان مشغول شد. در سال ۱۳۲۲ق انجمن علمی را تأسیس نمود که از مهم‌ترین آثار این انجمن انتشار کتاب «لغت انجمن علمی» از عربی به فارسی است. همچنین وی از کاتبان، مصححان و مؤلفان سرشناس و پرکار دوران قاجار است که آثار متعددی از او برجای مانده است. مهم‌ترین تألیف او «فرهنگ کاتوزیان» مشتمل بر سی و پنج هزار لغت فارسی قدیم و جدید و عربی و ترکی و اروپایی معمول در زبان فارسی است. از دیگر آثار شاخص او می‌توان به کتاب «انوار المشعشعین فی بیان شرافة القم والقمیین»، «تاریخ قم»، «تاریخ انبیاء اولوالعزم» و... اشاره نمود. وی در دوره اول مجلس شورای ملی از طهران و در دوره پنجم از تبریز به‌عنوان نماینده مردم وارد مجلس گردید.^۲

۵- غلامرضا مظفرالملک ثانی (۱۲۹۷-۱۳۸۱ق)

تنها فرزند پسر میرزا محسن خان مظفرالملک بود، میرزا محسن فرزند ملاعبداللطیف طسوجی و برادرزن ظل‌السلطان بود که از سال ۱۲۹۸ تا ۱۳۰۰ق و از ۱۳۰۱ به مدت دوسال نایب‌الایاله لرستان و بروجرد بود و از سال ۹-۱۳۰۷ق نایب‌الحکومه عراق (اراک) و محلات گردید.

۱. القاب رجال دوره قاجاریه، ۱۵۸ و رجال وزارت خارجه، ۱۷۹.

۲. اثرآفرینان، ۴/۵.

همچنین در سال ۱۳۰۲ق خرم‌آباد و سال ۱۳۱۶ق در همدان بود. سال ۱۳۱۷ق از حکومت همدان معزول می‌گردد. وی در سال ۱۳۰۰ق ملقب به مظفرالملک می‌گردد.^۱ قابل توجه اینکه یکی از چهار دختر ایشان نیز زوجهٔ میرزا یحیی دولت‌آبادی بوده است.^۲ جد ایشان عبداللطیف طسوجی در تبریز و در زمان ولیعهدی ناصرالدین میرزای قاجار ملاباشی ولیعهد و به‌کار ترجمه نیز مشغول بود. از شاخص‌ترین آثار ماندگار او در این عرصه می‌توان به ترجمهٔ کتاب *ألف لیلة وليلة* اشاره نمود که در سال ۱۲۶۱ق در تبریز چاپ و منتشر می‌گردد و تا به امروز بارها چاپ و منتشر شده است. غلامرضا مظفر از ذی‌حجهٔ سال ۱۳۲۵ق به‌عنوان حاکم همدان برگزیده می‌شود و مدتی نیز حاکم زنجان و در سال ۱۳۴۰ق حکمران بروجرد و لرستان شد.^۳ وی بعد از عمری خدمت در مناصب دولتی در سال‌های پایان عمرش به‌کلی خانه‌نشین و با حقوق بازنشستگی از طرف وزارت کشور امرار معاش می‌نمود. او چون به پیروی از افکار پدرش جزو مریدان صفی‌علی‌شاه بود در خانقاه او به سر برده و در آن مکان بیتوته می‌کرد و غرق در مطالعه کتب عرفانی و تاریخی و انس با عرفا و درویشان بود^۴ و بعد از درگذشتش او را در آرامستان ظهیرالدوله به خاک می‌سپارند.^۵

۶- زین‌العابدین مترجم‌الملک

او مترجم‌آثاری چون «سیاحتنامهٔ جبال‌آلپ» نوشتهٔ سیر مارتین کنوای^۶ و «سیاحتنامهٔ» هانری فوشر^۷ بود که هر دو این کتابها را به‌دستور مظفرالدین‌شاه ترجمه نموده است. همچنین انتشار کتاب «آئینهٔ اسکندری» نگاشتهٔ عبدالحسین خان معروف به آقاخان کرمانی (۱۲۷۰-۱۳۱۴ق) به دستور علاء‌الملک وزیر معارف و با بودجهٔ وزارت معارف و اهتمام مترجم‌الملک در شعبان سال ۱۳۲۴ق آغاز و بعد از دو سال در تاریخ ۱۹ ذی‌حجهٔ سال ۱۳۲۶ق منتشر می‌گردد.^۸

۱. القاب و مناصب عصر قاجاری و اسناد امین‌الضرب، ۳۰۲.

۲. تاریخ لرستان، ۲۷۴.

۳. دانشنامهٔ خرم‌آباد، ۷۱۸.

۴. همان.

۵. آرامستان ظهیرالدوله، ۴۰۱.

۶. فهرست نسخ خطی کتابخانهٔ ملی ایران، ۴۵۶/۲؛ فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ۴۰۳۹/۶.

۷. فهرست نسخ خطی کتابخانهٔ ملی ایران، ۴۵۷/۱؛ فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ۴۰۴۱/۶.

۸. دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی، ۲۹۲/۲.

۷- ابراهیم نوری اعظام السلطنه

وی فرزند علی‌خان ناظم‌الایاله و عضو وزارت خارجه و انجمن طب‌پرستان^۱ و پدر نیما یوشیج شاعر معروف و شناخته شده معاصر است.

۸- حاجی سید ابوالحسن علوی

سید ابوالحسن بن سید محمد صراف علوی از تجار و آزادی خواهان روزگار خود که در نخستین دوره به مجلس شورای ملی راه یافت. او از جمله دوستان نزدیک نصرالله تقوی بود که به همراه او به پاریس مسافرت کرده بود. در هنگامه جنگ جهانی نخست در گروه مهاجران بود و زمانی که بغداد و کرمانشاه به دست انگلیسی‌ها افتاد خود را به برلین رسانید و سالیان دراز در آنجا زندگی کرد.^۲ در سالهای اقامتش در برلین مجموعه یادداشت‌هایی را در معرفی رجال صدر مشروطیت برای مجله کاوه تألیف نموده که سالها پس از مرگ او با تنظیم و تصحیح حبیب یغمایی در مجله یغما بازچاپ و دست آخر به اهتمام و تصحیح مرحوم ایرج افشار منتشر گردید. او در سال ۱۳۰۶ شمسی در برلین دست به خودکشی زده و درگذشت.^۳

۹- یارمحمد خان افشار (۱۲۵۹-۱۳۱۵)

مطابق ماده اول و نهم نظامنامه کتابخانه این امکان وجود داشت که اعضای کتابخانه تعدادشان تا دوازده نفر نیز افزایش پیدا کند و البته در صورت اضافه شدن، کتابخانه ملزم بود که این موضوع را از طریق جراید به اطلاع عموم برساند. یکی از این افراد که بعدها در زمره اعضای کتابخانه قرار می‌گیرد یارمحمد خان افشار است. او فرزند حسن خان سیف‌السلطنه و ملقب به سردار سعید، آجودان باشی کل، سالار سعید، سردار کل و سیف‌السلطنه بود که در سال ۱۳۲۶ ق. رئیس قوای آذربایجان و در سال ۱۳۲۷ ق. رئیس قشون خراسان می‌گردد.^۴

۱. القاب و مناصب عصر قاجاری و اسناد امین‌الضرب، ۳۶.

۲. پژوهشگران معاصر ایران، ۵۱۵/۶.

۳. فرهنگ داستان‌نویسان، ۱۹۷.

۴. القاب رجال دوره قاجاریه، ۸۴؛ القاب و مناصب عصر قاجاری، ۱۴۷؛ شرح حال رجال ایران، ۴۳۷/۴.



تصویر ۳. جانمایی تقریبی مکان‌های اولیه و ثانویه کتابخانه ملی طهران بر روی نقشه (ترسیم عبدالغفار نجم‌الملک، ۱۳۰۹ق)

مکان کتابخانه ملی طهران

این کتابخانه در فاصله کوتاه فعالیتش (دو سال و پنج ماه) به دفعات مکانش تغییر می‌کند، بخشی به جهت تعجیل در تصمیم‌گیری، بخش دیگر به علت کمبود بودجه و امکانات و دست‌آخ‌هم‌واقعۀ به‌توپ‌بستن مجلس که منتج به جابجایی موقت و در نهایت تعطیلی کامل آن می‌گردد. در ابتدای فعالیت آنچنان که پیش از این اشاره گردید مکان اولیه و موقتی این کتابخانه در کنار مدرسه دارالشفاء واقع در جنوب شرقی ارگ سلطنتی و روبروی

مسجدشاه در منزل جناب آقای اعظام‌السلطنه از بانیان اولیه کتابخانه است. (مدرک شماره ۴)

اعضای کتابخانه از همان ابتدای تأسیس نوید خریداری مکانی مناسب و دائمی از طریق کمک‌های مالی بزرگان را می‌دهند و مبالغی نیز توسط افراد متعددی برای این موضوع جمع‌آوری می‌گردد، اما از قرار معلوم بودجه لازم برای خریداری چنین ملکی فراهم نمی‌گردد و از طرفی این مکان موقتی نیز برای فعالیت این کتابخانه مناسب نبوده است لذا کمتر از یکسال بعد این کتابخانه به طبقه بالای ملکی واقع در خیابان ناصری (شمس‌العماره) که در ابتدای کوچه آرامنه جنب سقاخانه آینه بوده منتقل می‌گردد.^۱ (مدرک شماره ۶)

۱. سقاخانه آینه و سقاخانه نوروخان از جمله سقاخانه‌های قدیم شهر تهران بوده‌اند. متأسفانه این سقاخانه تخریب و در حال حاضر سقاخانه دیگری واقع در خیابان ظهیرالاسلام به همین نام سقاخانه آینه مشهور است. رک: شرح زندگانی من، ۶۱۷/۳.

مدرک شماره ۶

اعلان کتابخانه ملی

[۶رمضان ۱۳۲۴]

خدمت عموم طلاب اهل علم و معارف کتوالله امثالهم اعلان و اعلام می‌شود که به ملاحظه اینکه محل کتابخانه ملی محتاج به توسعه و مکان مخصوص بود علی‌العجاله به خیابان ناصری (شمس‌العماره) در اول کوچه ارامنه جنب سقاخانه آینه تحویل شده تا انشاءالله تعالی به همت ارباب هم محل مخصوصی به جهت این مقصد مقدس خریداری شود. کتابخانه کهما فی السابق از صبح تا یکساعت به غروب مانده مجاناً برای استفاده عموم اهل علم مفتوح خواهد بود (شاید در ماه مبارک رمضان از ظهر و قدری زودتر مفتوح شود)^۱

این کتابخانه برای سومین بار جابجا و اینبار به محل منزل حسینقلی خان نوری ملقب به صدرالسلطنه (۱۲۲۷-۱۳۱۶)^۲ در مقابل مدرسه سپهسالار ناصری^۳ (مدرک شماره ۱۰) در نزدیکی مجلس شورای ملی منتقل می‌گردد.^۴

سازمان اداری کتابخانه ملی طهران

کتابخانه ملی طهران از ابتدای تأسیس سازوکار اداری منظمی داشته است و به نظر می‌رسد با درایت و آینده‌نگری خاصی اجزای این سازمان چیده و مرتب شده است. در

۴۵

آینه پژوهش | ۲۰۷
سال ۳۵ | شماره ۳
مرداد و شهریور ۱۴۰۳

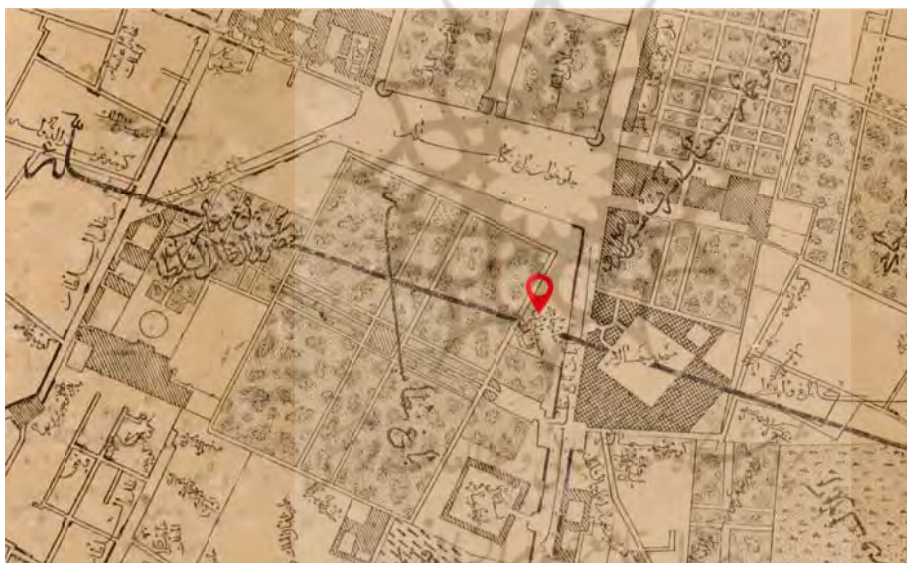
۱. روزنامه تربیت، شماره ۴۱۸، پنج‌شنبه ۶ رمضان، ۱۳۲۴، ص ۲۶۲.

۲. حاج حسین قلی‌خان با القابی چون معتمد‌الوزاره و صدرالسلطنه پسر هفتم میرزا آقاخان نوری صدراعظم ناصرالدین شاه است و از سال ۱۲۷۵ تا ۱۲۸۱ ق که میرزا آقاخان به اصفهان، قم و غیره تبعید شد، او همواره در کنار پدر بود. در سال ۱۳۰۱ ق ملقب به معتمد‌الوزاره گردید و منصب نیابت اول وزارت خارجه را یافت، در سال ۱۳۰۳ ق سرکنسول ایران در بمبئی گردید و در شوال سال ۱۳۰۵ ق به سمت وزیر مختار ایران در واشنگتن گردید. سال ۱۳۱۰ ق به سمت وزارت فوائد عامه منصوب شد و یکسال بعد نیز به عنوان وزیر مختار و کارپرداز اول بغداد راهی عراق شد. رک: شرح حال رجال ایران، ۴۹۵/۱؛ القاب و مناصب عصر قاجاری، ۱۹۴؛ ایران و جهان از قاجاریه تا پایان عهد ناصری، ۶۰۵؛ دانشنامه جهان اسلام، ۳۲۳/۱۲.

۳. میرزا آقاخان پس از رسیدن به صدارت در ۱۲۷۰ ق عمارت و باغ بسیار بزرگی در خارج از شهر تهران آن روزگار برای پسر بزرگ خود میرزا کاظم خان نظام‌الملک ساخت که تا ۱۲۷۳ این بنا تمام شد. این باغ روبروی مسجد و مدرسه سپهسالار (شهید مطهری) قرار داشت و امروزه هم به محله نظامیه معروف است. رک: شرح حال رجال ایران، ۱۴۶/۳. از قرار معلوم همو برای دیگر پسرش یعنی حاج حسین قلی‌خان صدرالسلطنه نیز در همین مکان خانه‌ای می‌سازد و چنانچه از نقشه عبدالغفار و دست‌نوشته خود او بر می‌آید خانه او در همین محل و در نظامیه روبروی مسجد سپهسالار قرار داشته است. رک: ایران و جهان از قاجاریه تا پایان عهد ناصری، ۶۰۶؛ دست‌نوشته‌ای از نخستین سفیر ایران در آمریکا حاجی حسین قلی‌خان صدرالسلطنه معروف به حاجی واشنگتن، ۵۱۴.

۴. کتابخانه ملی از چهل سال پیش از تأسیس، ۷. به نقل از: روزنامه آفتاب، سال دوم، شماره ۹۱ (۲۵۳)، چهارشنبه ۴ محرم ۱۳۳۲ ق، ص ۴.

رأس این کتابخانه هیئت مؤسس یا همانطور که در نظامنامه کتابخانه ملی طهران به آن اشاره شده است، اعضای کتابخانه یا وکلای کتابخانه قرار دارند. در بندهای متعدد نظامنامه شرح وظایف این اعضاء به شکل‌های مختلفی تشریح گردیده است. این اعضاء چنانچه پیش از این نیز اشاره شد تعدادشان هشت نفر است و هفته‌ای یک مرتبه در کتابخانه جمع و در خصوص برنامه‌ها و فعالیت‌های کتابخانه بایکدیگر گفتگو و مشورت می‌نمودند. مسئولیت جمع‌آوری کمک‌های مالی مستقیماً بر عهده اعضای کتابخانه بوده و جز آنها هیچیک از اجزاء کتابخانه اجازه دریافت این قبیل کمک‌ها را نداشتند. طرف مکاتبات کتابخانه تنها اعضای کتابخانه بودند. و این اعضاء و یا وکلای آنها بصورت مادام‌العمر حق نظارت و رسیدگی در امور کتابخانه را داشتند.



تصویر ۴. جغرافیایی تقریبی آخرین محل کتابخانه ملی طهران بر روی نقشه (ترسیم عبدالغفار نجم‌الملک، ۱۳۰۹ق)

اما چنانکه در بند اول از فصل دوم نظامنامه کتابخانه ملی طهران آمده است، اداره داخلی کتابخانه بر عهده شش نفر: ۱. منشی، ۲. دفتردار، ۳. کتابدار، ۴. معاون کتابدار، ۵. خادم، ۶. دربان بوده که هر یک شرح وظایف معینی داشتند و این شرح وظایف در بندهای اول تا هفتم از فصل دوم نظامنامه کتابخانه دقیقاً مشخص شده است (مدرک شماره ۸) بجز دربان یا مستحفظ کتابخانه که فردی با نام سید رضی بوده، هیچ اطلاعی از اسامی دیگر افراد اداره‌کننده کتابخانه نداریم.

ساعت کاری کتابخانه ملی

ساعت فعالیت کتابخانه از صبح تا یکساعت به غروب بوده که البته در ماه رمضان کمی زودتر از ظهر کتابخانه بازگشایی و تا یکساعت به غروب مشغول به سرویس دهی به مردم بود. (مدرک شماره ۶) در نظامنامه کتابخانه نیز عنوان می‌شود که کتابخانه بجز اعیاد بزرگ و بعضی ایام متبرکه همه روز از یکساعت بعد از طلوع آفتاب تا یکساعت به غروب آفتاب باز است و روزهای تعطیلی کتابخانه جمعه و دوشنبه عنوان می‌گردد. (مدرک شماره ۸)

طی اعلانی که یکسال بعدتر منتشر می‌گردد ضمن اشاره به روزهای فعالیت کتابخانه که همه روز جز روز دوشنبه و جمعه تعیین می‌گردد، ساعت کاری کتابخانه از چهارساعت به ظهر مانده تا یک ساعت به غروب تعیین می‌شود. (مدرک شماره ۷).

مدرک شماره ۷

اعلان زمان بازگشایی و فعالیت کتابخانه ملی طهران

[۱۱ ذی‌قعدة ۱۳۲۵ق]

محض استحضار عموم طلاب و شاگردان مدارس و معارف پروران اعلام می‌شود که کتابخانه ملی همه روزه غیر از ایام دوشنبه و جمعه از چهار ساعت به ظهر مانده الی یک ساعت به غروب دایر و برای خدمت ارباب معارف حاضر است.^۱

شیوه استفاده از کتابخانه ملی طهران

استفاده از کتابخانه ملی طهران برای عموم مردم رایگان بود و هر فردی از افراد جامعه می‌توانست با حضور در کتابخانه هرکتابی برای مطالعه را انتخاب و از کتابدار بخواهد که در اختیار او بگذارد. مطابق بند (۱۴) از فصل اول نظامنامه کتابخانه امکان امانت بردن کتاب نیز فراهم بود، به شرطی که مبلغ یک الی ده تومان آبونمان پرداخت شود و مدت زمان امانت بردن کتاب نیز تنها سه روز بود. مراجعین به کتابخانه ملزم به رعایت شروطی بودند که در بند (۱۲) از فصل دوم نظامنامه بدانها اشاره شده است:

«اولاً واردین بر کتابخانه هرگاه کتاب یا عصا و امثاله همراه داشته باشند باید در اطاق مقدم به دربان تحویل و پس از خروج دریافت دارند. ثانیاً در کتابخانه

۱. روزنامه صبح صادق، ش ۱۹۷، س ۱، ۱۱ ذی‌قعدة ۱۳۲۵، ص ۴.

ملی بلند حرف زدن یا بلند کتاب خواندن یا داستان مفصلی بیان کردن چون مانع مطالعه دیگران است قویاً ممنوع است. ثالثاً صحبت‌های دولتی و پولتیکی رأساً ممنوع است. رابعاً تحریرات در حواشی کتب و روزنامه‌جات جداً قدغن است».

نظامنامه کتابخانه ملی طهران

برای اولین بار در تاریخ کتابخانه‌های ایران است که نظامنامه‌ای برای مدیریت کتابخانه تدوین می‌گردد. بعد از این و در سالهای بعد است که نگارش نظام‌نامه، اساس‌نامه و یا آئین‌نامه برای دیگر کتابخانه‌های کشور من جمله کتابخانه وزارت معارف مرسوم می‌گردد. نظامنامه کتابخانه ملی طهران مشتمل بر دو فصل و ۱۲+۱۵ بند است. فصل اول تکالیف اعضاء و معاونین و فصل دوم تکالیف اجزاء و واردین را شامل می‌گردد.

مطابق آنچه محمدحسین ذکاءالملک در روزنامه خود اشاره می‌کند این نظامنامه به صورت مستقل چاپ و منتشر شده که متأسفانه تا به امروز نسخه‌ای از آن پیدا نشده است. اما خوشبختانه با درایت و توجه ویژه ذکاءالملک رونوشت نظامنامه در روزنامه تربیت منتشر می‌گردد.

مدرک شماره ۸

نظامنامه کتابخانه ملی

[ذی‌قعدة ۱۳۲۴]

بر اکثر از مطالعه‌کنندگان محترم پوشیده نیست که جناب مستطاب معظم آقای سیدنصرالله تقوی از سادات اخوی صاحب خطابه فواید مجلس شورای ملی دامت افاضاته مدیر کتابخانه ملی نیز می‌باشد و ما اجمالاً شرح آن کتابخانه را در تربیت درج کرده و تفصیلاً خواهیم نوشت. اما از آنجا که این اواخر نظامنامه آن کتابخانه مبارکه را طبع و منتشر ساخته‌اند و روزنامه تربیت باید شامل اخبار مهمه سالیانه باشد یعنی آنها که این اوراق را جمع و جلد و کتاب می‌کنند محتاج به نگهداری رسایل و اوراق مختلفه نباشند و در رجوع تربیت از وقایع آن سال بی‌نیاز شوند. بنابراین در این موقع که خطابه جناب مستطاب آقای آقاسیدنصرالله را در فواید مجلس شورای ملی در پاورقی روزنامه ثبت نمودیم مناسب دیدیم که به همان رویه [،] نظامنامه کتابخانه ملی را نیز درج نماییم مگر اطلاع و استحضار عمومی سبب و وسیله خیری شود یعنی ارباب همم‌عالیه را به معاونت این کار خیر وادار کند. و در صورت نظامنامه مزبوره از این قرار است [:

بسمه تبارک و تعالی

باید دانست نظامنامه کتابخانه ملی مشتمل بر دو فصل میباشد. [فصل اول تکالیف اعضا و معاونین مشتمل بر پانزده ماده [،] فصل دوم تکالیف اجزاء و واردین مشتمل بر دوازده ماده.

(فصل اول)

(۱) اعضاء كتابخانه ملی عجاله اشخاصی هستند که این نظامنامه را به تصویب جناب مستطاب اجل اکرم افخم آقای علاءالملک وزیر علوم و معارف دام اقباله العالی امضا نموده‌اند و ممکن است عددشان به دوازده نفر برسد ولی هیچوقت بیشتر از این نخواهد شد. این اعضاء هفته [ای] یک مرتبه در کتابخانه ملی جمعاً حاضر و برای اصلاحات امور کتابخانه متفقاً مشاوره خواهند نمود. چون حصول توافق کلیه آراء خیلی مشکل است پس از اکثریت آراء آخرین رای همه خواهد بود. (ملاحظه) [:] در صورت تساوی آراء رأی طرفی که رئیس مجلس با آن طرف همراه است نافذ خواهد بود و هرگاه مجلس فوق‌العاده لازم شود به تصویب همگی تشکیل و برای توسعه امر کتابخانه مذاکرات خواهد شد.

(۲) هرگاه از یکی از اعضاء خیانتی ظاهر شد، پس از تحقیقات و ثبوت در مجلس اعضاء استعفاى او را جداً مطالبه خواهند کرد و اگر اذعان به خطا یا خیانت خود نکرد یا نتوانست جبران خیانت نماید و کار به محاکمه انجامید به استظهار وزارت جلیله علوم و معارف او را مستعفی خواهند کرد.

(۳) آنچه از نوع پرستان و خیرخواهان وطن اعانه نقدی و غیره به عنوان کتابخانه ملی برسد برای استفاده تمام ملت است و احدی تملک در آن به هیچ اسم و رسم نخواهد داشت.

(۴) اشخاصی که اعانه به کتابخانه ملی می‌دهند به عنوان شهریه یا اساسیه [کذا] یا قیمت خانه و کتب و امثاله به موجب قبض چاپی است که به مهر مخصوص کتابخانه خواهد بود. هرگاه در هفته یک روز که مجلس اعضاء در کتابخانه منعقد است این قبیل اعانه برسد قبض آن به شرح سابق الذکر داده خواهد شد و اگر در غیر این روز شد کتابدار در زیر ورقه صورت اعانه پس از برداشتن ثبت آن خواهد نوشت [:] (اعانه فوق رسید به مجلس تقدیم و فلان روز قبض به مهر کتابخانه و امضاء دستی در کتابخانه حاضر است که تقدیم داشته، این یادداشت را می‌گیرم). ولی این مخصوص اعانه جنسی است، اعانه نقدی را سواى اعضاء مجلس کسی نباید قبول کند.

(۵) مهر کتابخانه عبارتست از یک مهر بیضی به جهت سرپاكت و پشت نقشه جات و کتابها و دیگر مهر اسناد که مخصوص به امضای قبوض است. [.] این مهر امضاء همیشه در جعبه آهنی مَقْفَل و به مهر اقلأ سه نفر از اعضاء خواهد بود و در روزهای مجلس در حضور اعضاء باز و قبوض با اسناد لازمه مهر شده مجدداً مختوم و در دفتر کتابخانه خواهد ماند.

(۶) طرف مکاتبات عموماً اعضاء کتابخانه ملی خواهند بود و جواب مکاتباتی که سَدَدِیت ندارند به مهر بیضی کتابخانه ملی فرستاده خواهد شد و در صورت سَدَدِیت با مهر اعتبار کتابخانه و امضاء دستی اعضاء خواهد بود. (۷) در سر شش ماه صورت جمع و خرج و اسامی معاونین پس از رسیدگی و امضاء تمام اعضاء در یکی از روزنامجات درج و منتشر خواهد شد. هرگاه یکی از شرکاء اسم خود را در جزو معاونین نبیند حق دارد فوراً به مجلس کتابخانه رجوع و استعلام امر نماید.

(۸) در صورتی که از اعضاء اولیّه کسی مریض یا غایب شد می‌تواند وکیل موقتی یا دائمی خود را با تصویب اعضاء کتابخانه به جای خود بگذارد و سایر اعضاء می‌توانند به اتفاق آراء به جای او بدلی انتخاب کنند.

(۹) اشخاصی که برای عضویت کتابخانه ملی داوطلبند در صورت کسر عدّه و اتفاق اعضاء در صلاحیت آن و تقدیم خدمتی به کتابخانه ملی پذیرفته می‌شوند و اسامی این قبیل اشخاص یا کسانی که عوض اعضاء اولیّه قبول می‌شوند فوراً در یکی از جراید درج خواهد شد.

(۱۰) در مجالس معمولی کتابخانه در صورتی که اقلأ دو ثلث از اعضاء حاضر باشند نتیجه آراء مُمضی و مُجری است.

(۱۱) کسانی که در مقام اعانه کلی به کتابخانه ملی هستند بهتر آن است که قبل از وقت مراجعه به اعضاء کتابخانه نموده و پس از تحصیل اطلاعات و مذاکرات مقتضیه و ملاحظات بقای مقصد مقدس اقدام فرمایند.

(۱۲) اعضاء اولیّه یا وکلای آنان مادام الحیوة حق نظارت و رسیدگی در امور کتابخانه ملی داشته و جهاً من الوجوه نخواهند گذاشت حقوق کتابخانه ترضیع شود.

(۱۳) وجوهی که از معاونین می‌رسد نزد امین معتبر پذیرفته گذارده می‌شود تا لدی الاقتضاء تهیه خانه یا

نواقص کتب و اساسیه بشود و هرگاه وجوه اعانه برای خریدن خانه وفا کرد البته هیئت اعضاء خریدن خانه را بر سایر مصارف مقدم خواهند داشت.

(۱۴) هرکس خواسته باشد از کتابخانه ملی کتابی برای مطالعه امانت ببرد ملتزم است همه ساله [،] سالی از یک تومان الی ده تومان به کتابخانه ملی بپردازد. در این صورت می‌تواند همه وقت معادل آبنونه خود به طور امانت ببرد [،] ولی مدت نگاهداشتن آن کتاب از سه روز نباید تجاوز نماید.

(۱۵) صورت قرارداد و مذاکرات در مجالس اعضاء هر هفته در کتابچه مذاکرات به خط منشی کتابخانه ثبت و به امضاء حضار خواهد رسید و این کتابچه مثل سایر دفاتر کتابخانه ملی همیشه در صندوق دفتر ضبط و از کتابخانه خارج نخواهد شد.

(فصل دوم)

(۱) اجزاء کتابخانه تشکیل می‌شود به واسطه شش نفر که هر یک به فرایض مقرر عمل خواهند کرد [،]: (منشی)، (دفتردار)، (کتابدار)، (معاون کتابدار)، (خادم)، (دربان). منشی مراسلات وارده به کتابخانه را در روزهای مجلس نزد اعضاء قرائت و هرجوایی که از مجلس صادر شد نوشته به مهر کتابخانه ملی رسانده به خادم خواهد داد که برساند و مراسلات وارده با ثبت جوابهای صادره را منظم با نمره در خود کتابخانه نگاه خواهد داشت و نوشتن صورت مجالس و مذاکرات اعضاء و سایر تحریرات سوای آنچه وظیفه دفتردار است تمام به عهده منشی کتابخانه خواهد بود.

(۲) دفتر دار صورت اعانه‌های نقدی یا جنسی که به کتابخانه می‌رسد مرتباً با نمره و تاریخ و اسامی معاونین در دفاتری که برای این کار تهیه شده است ثبت و قبوض شهرییه و اعانه‌های نقدی یا جنسی را نیز با نمره و ثبت صادر و به مهر اعتبار کتابخانه و امضای اعضای آن رسانده دقت خواهد کرد که سهو و خطایی در صدور قبوض یا ثبت دفاتر نشود. این قبوض را تحویل خادم خواهد کرد که به صاحبانش برساند و البته برای اطمینان رسیدن قبوض ترتیبات لازمه خواهد داد که مسئول نشود و نیز نمره و مهر کتب و نقشه‌جات وارده به کتابخانه از فرایض دفتردار است.

(۳) کتابدار در اطاق مقدم کتابخانه با دفتر فهرست کتب مقدم واردین را پذیرا است تا هر کتابی را که برای مطالعه بخواهند نمره آن را معین کرده با کمال احترام به آن شخص تقدیم دارد که به معاون داده در کتابخانه قرائت نماید و پس اتمام قرائت [،] کتاب را به معاون رد و نمره را گرفته در مراجعت به کتابدار تحویل و خارج خواهد شد و نیز مراقبت ضبط و نگهداری کتب و اساسیه به عهده این کتابدار است و هرگاه از معاونین کسی کتابی یا اعانه غیر نقدی در غیر روز مجلس به کتابخانه بخواهد بفرستد جزو تکالیف کتابدار است که آن اعانه را در همان اطاق دفتر نگاهداری و در روز مجلس پس از صدور قبض از مجلس و ثبت و غیره دفتردار جزو کتابخانه نماید.

(۴) معاون دقت خواهد کرد که کتب و نقشه‌جات با کمال نظافت و تمیزی و رعایت نمره و ترتیب همیشه مرتب باشند و هر واردی که برای قرائت وارد می‌شود با نهایت توقیر و احترام نمره را که کتابدار به او داده است گرفته به جای کتاب مطلوب می‌گذارد و کتاب را به شخص وارد تقدیم خواهد کرد و پس از اتمام مطالعه یا استنساخ، مجدداً کتاب را گرفته به جای خود گذارده و نمره را با علامتی باطل به آن شخص خواهد داد که در مراجعت به کتابدار رد نماید.

(۵و۶) تنظیفات و خدمات داخله کتابخانه و رساندن قبوض و مراسلات و جواب آنها و سایر خدمات جزو تمام به عهده دربان و خادم است که از طرف منشی یا دفتردار و کتابدار به آنها رجوع خواهد شد ولی باید همیشه یکی از این دو نفر در کتابخانه حاضر باشند.

(۷) کتابخانه ملی سوای اعیاد بزرگ و بعضی ایام متبرکه همه روز از یکساعت بعد از طلوع آفتاب تا یکساعت به غروب مانده مفتوح و برای استفاده حاضر است و روزهای جمعه و دوشنبه نیز به کلی تعطیل است.

(۸) مسئولیت کتب و اساسیه عموماً به عهده کتابدار است و کتابدار باید هر روز وقت بستن کتابخانه درها را

به مهر خود و معاونتش مختم نموده یکی از خادم و دربان هم هرشب باید در کتابخانه بخوابند و هر صبح در حضور معاون خود مهر را باز خواهد کرد.

(۹) هرگاه به واسطه حادثه [ای] کتابدار یا معاونش [،] یکی غایب شد [،] باید خادم طوری آموخته شود که بتواند موقتاً کمک نماید و البته این خادم باید باسواد باشد.

(۱۰) کتب و نقشه‌جات و روزنامه‌جات و غیره ابداً از کتابخانه ملی خارج نمی‌شود و اجزا باید کمال دقت را در این مسئله بنمایند که مسئول نشوند.

(۱۱) احدی از اجزای کتابخانه ملی به هیچ اسم و رسم حق ندارند از واردین مطالبه چیزی نمایند و در صورت تخلف مرتکب مسئول و اخراج خواهد شد.

(۱۲) کتابخانه ملی با کمال احترام از واردین رعایت مواد ذیل را خواست می‌کند [،] اولاً واردین بر کتابخانه هرگاه کتاب یا عصا و امثاله همراه داشته باشند باید در اطاق مقدم به دربان تحویل و پس از خروج دریافت دارند. ثانیاً در کتابخانه ملی بلند حرف زدن یا بلند کتاب خواندن یا داستان مفصلی بیان کردن چون مانع مطالعه دیگران است قویاً ممنوع است. ثالثاً صحبت‌های دولتی و پولتیکی رأساً ممنوع است. رابعاً تحریرات در حواشی کتب و روزنامه‌جات جداً قذغن است. خامساً دفتری سفید همیشه در روی میز کتابخانه گذارده شده است هرگاه واردین خلاف احترامی عمدی از اجزاء دیده و نقصانی ممکن الاصلاح در ترتیبات داخلی کتابخانه ملاحظه فرمایند با تاریخ و امضاء شخص و آدرس محل خودشان را در آن کتابچه مرقوم فرمایند [،] تا انشاءالله تعالی رفع نواقص و معایب بشود. (ملاحظه): [،] لدی الاقتضاء می‌توان از مواد این نظامنامه کاست یا بر آن افزود.

(تاریخ افتتاح کتابخانه ملی در طهران اول حمل سنه ۱۳۲۴)

صورت امضای اعضای کتابخانه
(نصرالله تقوی) (محمدعلی نصره السلطان) (عبدالرحیم نوری مفتاح الملک) (محمدعلی طهرانی) (غلام‌رضا ابن مظفرالملک) (زین‌العابدین مترجم الملک) (ابراهیم نوری اعظام السلطنه) (حاجی سید ابوالحسن)
کتابخانه العبد مرتضی النجم آبادی

هزینه‌ها و بودجه کتابخانه ملی طهران

یکی از بزرگترین چالش‌های پیش‌روی تأسیس کتابخانه هزینه‌های آن اعم از هزینه ساختمان، هزینه خرید کتاب و وسایل مورد نیاز و همچنین تأمین حقوق گردانندگان است. این قبیل کتابخانه‌ها تماماً با همراهی و همکاری مردم راه‌اندازی و اداره می‌شدند و اتصاف صفت ملی به این کتابخانه‌ها نیز به این دلیل بود که با پول و بودجه ملت تأسیس و اداره می‌گردید.

حتماً در مقالات گذشته خواندید که در کتابخانه عمومی تبریز هزینه مکان توسط خازن‌لشگر تأمین گردید و برای کتاب نیز تجار و رجال سیاسی هرکدام به سهم خود اقدام به اهدای کتاب نمودند. کتابخانه ملتی مرکزی ایران نیز به مدد حمایت‌های مالی رجال فرهنگی، سیاسی و تجار سنگ بنایش گذاشته شد و در همان مدت کوتاه اداره گردید.

۱. برگه از تاریخ کتابخانه ملی، ۳۰ به نقل از: روزنامه تربیت سال ۹ شماره ۴۲۴، پنج‌شنبه ۴ ذی‌القعدة ۱۳۲۴، صص ۲۳۰۹-۲۳۱۲ و شماره ۴۲۵، پنج‌شنبه ۱۱ ذی‌القعدة ۱۳۲۴، صص ۲۳۱۳-۲۳۲۰.

تفاوت کتابخانه‌های عمومی و ملی که با همکاری و همیاری عده‌ای تأسیس می‌گردید با قرائت‌خانه‌هایی که توسط اصحاب فرهنگ برپا می‌شد دقیقاً در همین موضوع بود. این قرائت‌خانه‌ها هرچند با اهداف فرهنگی و توسعه کتاب و کتابخوانی تأسیس می‌شد اما به شکلی نگاه تجاری نیز در آن مطرح بود و صاحبان آنها ناگزیر از دریافت حق‌الورود و به قولی آبونمان بودند که همین موضوع مانعی بزرگ برای جذب مردم و استفاده آنها از این قبیل اماکن بود. مجدالاسلام کرمانی که خود اینچنین قرائت‌خانه‌ای را تأسیس و از مشکلات و تبعات آن آگاه بوده است، ضمن اشاره به همکاری بزرگان و اعیان برای جمع‌آوری کتاب و اعانه برای کتابخانه به این موضوع نیز اشاره می‌نماید.

«...چنانچه خود این بنده هم دوسال قبل از این در افتتاح قرائت‌خانه و ترتیب کتاب‌خانه زحمتها کشیده مخارج بسیار نموده مدتی هم دایر بود ولی چون ترتیب آن اساسی نبود دوامی که منظور مؤسس بود پیدا ننمود و غیر از آنکه قریب پانصد تومان بر بنده ضرر وارد آورد فایده دیگر از آن بر ملت عاید نشد... هر یک از بزرگان و اعیان هم مقداری کتاب برای آنجا فرستاده و بعضی هم مبلغی اعانت ماهانه بر ذمه خود گرفتند که بمصارف کرایه محل و مواجب مدیر و مستخدم برسد. از واردین بدون اجرت و حق‌الورود پذیرائی نمایند و ترتیب صحیح کتاب‌خانه همین قسم است نه آنطوری که بنده اقدام نموده و تمام مصارف را بشخصه متحمل میشدم و از هر واردی سه‌شاهی حق‌الورود می‌گرفتم از این جهت کسی رغبت بآمدن نداشت...»^۱

هیئت مؤسس کتابخانه پس از آنکه تشکیلات ابتدایی کتابخانه را به سامان کردند، عده‌ای را مأمور فراهم آوردن اثاثیه کتابخانه کردند که عبارت بودند از: آقای حاج سید نصرالله تقوی، محمد جعفر میرزا، نصره السلطان، میرزا حسین خان، مترجم‌الملک، مظفرالملک، معتصم‌الملک، صمصام‌الملک ارشد السلطان، حاج سید ابوالحسن، سردار اسعد، جلال نظام، میرزا ابراهیم خان.^۲

این هیئت برای فراهم آوردن ملزومات کتابخانه ملی ابتدا خودشان مبلغی را به این منظور اختصاص دادند و افراد دیگری نیز از آنان تبعیت نمودند که صورت اسامی ایشان و مبالغی که پرداخته‌اند به این شرح است:

۱. روزنامه ادب، سال پنجم، شماره ۱۸۲، ۱۷ صفر ۱۳۲۴، ص ۳ و ۴.
۲. نخستین کتابخانه ملی طهران، ۹۵، به نقل از روزنامه آفتاب، سال دوم، شماره ۹۱ (۲۵۳)، ۴ محرم ۱۳۲۲ ق.

- ۱- اعضای مؤسس، هر نفر پنج تومان؛
 - ۲- آقا میرزا آقای اصفهانی: چهار تومان و یک قران؛
 - ۳- آقای محاسب الوزارة: دو تومان؛
 - ۴- مرحوم ملک المتکلمین: سه تومان؛
 - ۵- آقای مفتاح‌الملک: دوازده تومان و نه قران؛
 - ۶- آقای میرزا حسن رشديه: سه تومان؛
 - ۷- آقای مقوم‌الملک: دو تومان؛
 - ۸- آقای سعیدالعلماء: سه تومان؛
 - ۹- آقای عمادالکتاب: یک تومان؛
 - ۱۰- آقای کمالی (ظاهرأ کمالی اصفهانی شاعر و نویسنده معروف): یک تومان؛
 - ۱۱- آقای حاج فرج‌الله: یک تومان؛
 - ۱۲- آقای علی نقی خان: یازده قران و دهشاهی؛
 - ۱۳- آقای سیدجمال‌الدین پسر آقای حاج سیدنصرالله: یک تومان و چهار عباسی؛ مجموع سی و پنج تومان و دوهزار و سیصد دینار. مجموعاً صد تومان و دو هزار سیصد دینار»
- اعضای کتابخانه تصمیم می‌گیرند برای خریداری مکان کتابخانه دفتر اعانه‌ای ترتیب دهند. در اولین گام به سراغ اتابک اعظم می‌روند و او ضمن حمایت و تعریف و تمجید از این اقدام مبلغ دو بیست تومان کمک می‌نماید.

«... دفتر اعانه بجهة قیمت خانه گشوده و سرلوحه آن دفتر موشح است باسم مبارک حضرت مستطاب اشرف ارفع اقدس افخم اتابک اعظم که الحق وجود مقدسش سردفتر ترقی طلبان و پیش قدم وطن پرستان است بلکه باو از بلند میگوئیم تمام این اثرات از وجود مبارک او ظاهر شده است «گرچه از حلقوم عبدالله بود» و علاوه از تمجیدات فوق‌العاده و تشریفات بی‌اندازه که از تأسیس این مقدس فرمودند مبلغ یکصد تومان هم اعانه کرم فرمودند و انشاءالله تعالی سایر وزراء عظام و امراء فخام هم مساعدت میفرمایند تا این اساس مقدس بیادگار این عصر معارف حصر در صفحه عالم برقرار بماند...»^۱

موضوع جمع‌آوری تنخواه برای خرید محلی برای کتابخانه در گزارشی که سالها بعد در روزنامه آفتاب منتشر می‌گردد نیز ذکر شده و نام دیگر افرادی که در این فقره به کمک مالی کتابخانه اقدام کردند نیز ذکر می‌شود:

«چون هیئت مؤسس چنین تصور می‌کردند که هرگاه کتابخانه دارای محل معین و معلومی باشد خیلی بهتر خواهد بود و می‌توانند متدرجاً وسایل تعالی آن را بخوبی فراهم آورند، در مقام تهیه تنخواهی به جهت خرید خانه برآمده از آقایانی که می‌توانستند در این مقصد شرکت نمایند استمداد جستند و می‌بینیم که همه کسانی که در این امر خیر پیشقدم شده‌اند از رجال سرشناس و معروفند تقریباً بیشتر آنان از تحصیل‌کردگان زمانند مانند میرزا حسن خان مشیرالدوله نائینی، برادرش مؤتمن‌الملک پیرنیا، وثوق‌الدوله، سید نصرالله و امثالهم و برای اینکه ذکری از آنان شده باشد اسامی ایشان و صورت کمک هر یک ذیلاً ذکر می‌شود:

- ۱- مرحوم میرزا علی اصغر خان اتابک اعظم به توسط آقای مخبرالسلطنه هدایت: دو بیست تومان
- ۲- مرحوم میرزا نصرالله خان مشیرالدوله به توسط ایضاً دو بیست تومان؛
- ۳- مرحوم صنیع‌الدوله به توسط ایضاً: یکصد تومان؛
- ۴- حضرت اقدس والا شاهزاده عین‌الدوله به توسط میرزا آقای اصفهانی: یکصد تومان؛
- ۵- قوام‌السلطنه (میرزا احمد خان منشی حضور) به توسط آقای نصره‌السلطان: یکصد تومان؛
- ۶- جناب مشیرالدوله [میرزا حسن خان] به توسط آقای مخبرالسلطنه: یکصد تومان؛
- ۷- جناب مؤتمن‌الملک به توسط ایضاً: یکصد تومان؛
- ۸- جناب مخبرالسلطنه: یکصد تومان؛
- ۹- جناب مخبرالدوله به توسط جناب مخبرالسلطنه: یکصد تومان؛
- ۱۰- جناب خزعل خان سردار ارفع به توسط نصره‌السلطان: یکصد تومان؛
- ۱۱- جناب آقای حاج معین‌التجار به توسط آقای مخبرالسلطنه: یکصد تومان؛
- ۱۲- جناب وثوق‌الدوله به توسط آقای نصره‌السلطان: پنجاه تومان؛
- ۱۳- جناب مخبرالملک به توسط آقای مخبرالسلطنه: یکصد تومان؛

۱۴- جناب مفخم الدوله توسط علاءالملک وزیر علوم: پنجاه تومان؛

۱۵- جناب مسیو نوز به توسط آقای نصره السلطان: پنجاه تومان؛

۱۶- آقای ارباب جمشید به توسط نصره السلطان: پنجاه تومان؛

۱۷- مسیو پریم توسط نصره السلطان: بیست و پنج تومان؛

مجموع هزار و پانصد و پنج تومان.

۱۸- جناب حاجی معین‌التجار علاوه بر مبلغ یکصد تومان که به موجب صورت

فوق کرم کرده‌اند به توسط جناب آقای حاج سید نصرالله متقبل شده بودند از

باب مقرری که از مجلس شورای ملی دریافت می‌دارند ماهیانه بیست و پنج

تومان به کتابخانه ملی بپردازند و از این بابت مبلغ هفتاد و پنج تومان

به کتابخانه ملی مساعدت فرمودند. [برای سه‌ماه]^۱

بجز این پول‌ها عده‌ای نیز به اهدای اسباب و اثاثیه‌ای که به کار کتابخانه می‌آمد اقدام

نمودند از ساعت گرفته تا ساختمانی که برای راه‌اندازی موقت کتابخانه مورد استفاده

قرار گرفت.

۵۵

آینه پژوهش | ۲۰۷

سال ۳۵ | شماره ۳

مرداد و شهریور ۱۴۰۳

«چند نفر از آقایان نیز علاوه بر کتاب و غیره پاره‌ای اشیاء برای تکمیل این

کتابخانه داده‌اند که تفصیل آن از این قرار است:

[۱] آقای حاجی سید ابوالحسن: یک دستگاه ساعت؛

[۲] آقای سردار سعید: یک دستگاه میز تحریر؛

[۳] آقای معتصم الملک: یک تخته قالی بزرگ؛

[۴] آقای میرزا آقای تاجر: یک فرد قالیچه؛

[۵] آقای اعظم السلطنه: یک قسمت از عمارت مسکونی خود را واقع در نزدیکی

جلوخان مسجد شاه موقتاً برای افتتاح کتابخانه و تهیه مقدمات مجاناً

وبلاعوض به کتابخانه افتتاح نمودند. در اول حمل سنه ۱۳۲۴ کتابخانه در

منزل معظم له رسماً مفتوح گردید^۲

۱. کتابخانه ملی از چهل سال پیش از تأسیس، ۷: گلزار خاموش (نخستین کتابخانه ملی طهران)، ۹۶. هردو به نقل

از: روزنامه آفتاب، سال دوم، شماره ۹۱ (۲۵۳)، چهارشنبه ۴ محرم ۱۳۳۲ق، ص ۴.

۲. گلزار خاموش (نخستین کتابخانه ملی طهران)، ۹۶. به نقل از: روزنامه آفتاب، سال دوم، شماره ۹۱ (۲۵۳)،

چهارشنبه ۴ محرم ۱۳۳۲ق، ص ۴.

مهر کتابخانه



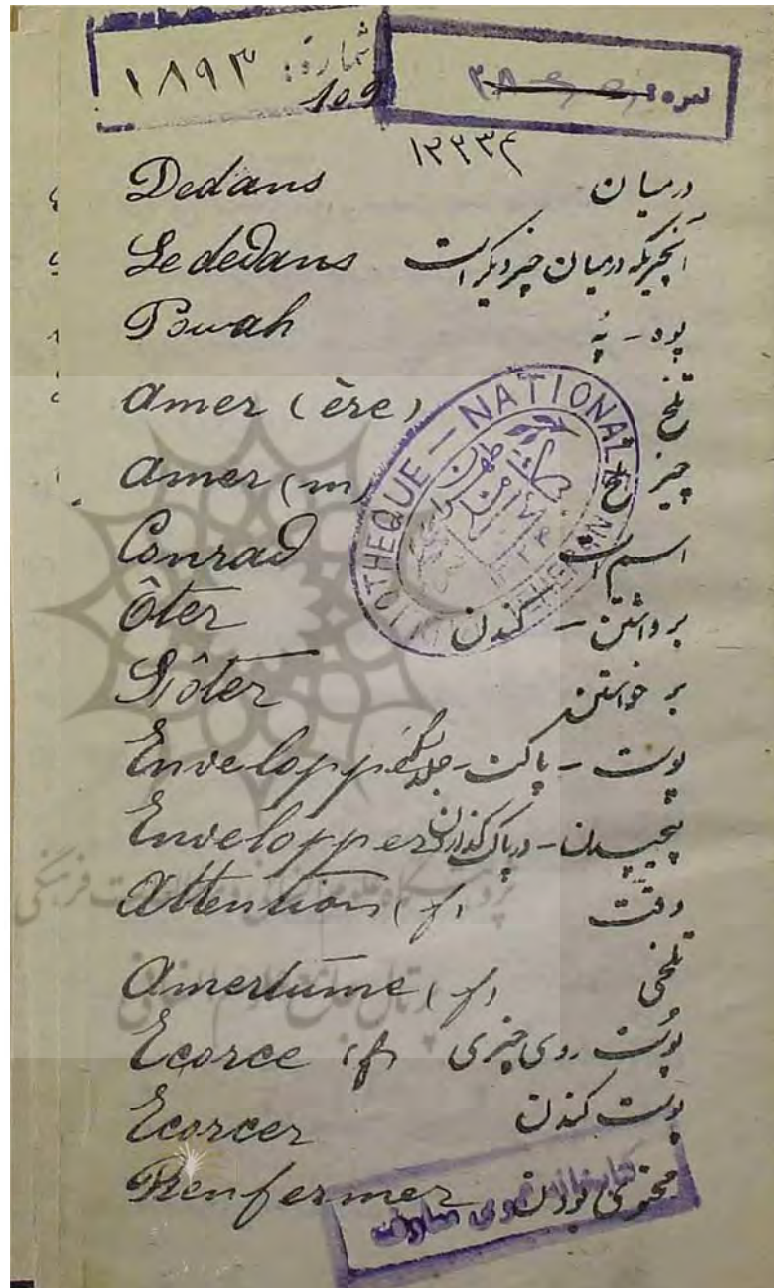
تصویر ۵. مدل بازسازی شده مهر کتابخانه ملی طهران

مهر در کتابخانه ملی طهران یکی از مهمترین و کاربردی‌ترین ابزارها جهت شکل دادن و رسمیت بخشیدن به فعالیت حرفه‌ای بود. به گونه‌ای که در نظام‌نامه این کتابخانه دقیقاً تعریف و کاربردها و موارد استفاده و همچنین محافظت آن تشریح شده است. در بند پنج نظام‌نامه مهر اینگونه تشریح داده شده است:

«(۵) مهر کتابخانه عبارتست از یک مهر بیضی به جهت سرپاکت و پشت نقشه جات و کتابها و دیگر مهر اسناد که مخصوص به امضای قبوض است این مهر امضاء همیشه در جعبه آهنی مقفل و به مهر اقلاسه نفر از اعضا خواهد بود و در روزهای مجلس در حضور اعضا باز و قبوض با اسناد لازمه مهر شده مجدداً مختوم و در دفتر کتابخانه خواهد ماند.»

کتابخانه ملی طهران دارای دو مدل مهر مختلف بوده است، یکی مهر کتابخانه که شکل آن در نظام‌نامه تشریح شده و اشاره گردیده که مهری بیضی است و از آن برای سرپاکت، پشت نقشه جان و کتاب‌ها استفاده می‌شده است. (تصویر شماره ۵) این مهر از درجه اهمیت زیادی برخوردار نبود و تنها برای ثبت کتاب‌ها، روزنامه‌ها، نقشه‌ها و... کتابخانه یا نامه‌هایی که سندیت نداشته مورد استفاده قرار می‌گرفت. در فصل دوم نظام‌نامه کتابخانه ملی نیز اشاره گردیده که جواب نامه‌های وارد شده به کتابخانه ملی نیز توسط منشی قرائت و نوشته و به مهر کتابخانه ملی ختم می‌شود.

با جستجویی که برای شناسایی کتاب‌های موجود در کتابخانه ملی طهران انجام دادم موفق شدم تا برخی از کتاب‌هایی که این مهر بر روی آنها ثبت شده است و در حال حاضر در کتابخانه ملی ایران موجود است شناسایی نمایم و نمونه نقش این مهر در تصویر شماره ۶ آمده است. مهری بیضی با سجع «کتابخانه ملی طهران ۱۳۲۴» که در حاشیه اطراف آن به خط و زبان فرانسه عبارت «Bibliothèque Nationale Teheran» درج گردیده است. (تصویر شماره ۵ و ۶)



تصویر ۶. مهر کتابخانه ملی طهران بر روی صفحه آخر از کتاب «ترجمه لغات کتاب سان پتی کنت» (کتابخانه ملی ایران - ش ۶-۱۲۲۳۴)

مهر دوم کتابخانه ملی طهران که به شکلی مهمتر از مهر اولی بوده و جنبه حقوقی و سندی داشته مهر اسناد است که مخصوص امضای قبوض بوده و از آن با عنوان مهر امضاء تعبیر شده است. این مهر آنقدر حائز اهمیت بوده که همیشه در جعبه آهنی قفل‌داری قرار داده شده و می‌بایست در حضور حداقل سه نفر از اعضای مؤسس از جعبه خارج و بر قبوض یا اسناد ختم گردد. چنانچه در بند چهارم نظام‌نامه کتابخانه آمده است. وقتی اشخاصی شهریه، اثاثیه، پول، کتاب و... به کتابخانه اهدا می‌نمودند به آنها قبضی داده می‌شد که این مهر بر روی آن قبض ثبت می‌گردیده است. این مورد در بند چهارم در فصل اول نظامنامه درج گردیده و در بند دوم از فصل دوم نظام‌نامه نیز مورد تأکید قرار گرفته است. چنانچه اشاره شد این قبض مهور به مهر امضاء تنها با حضور اعضای مؤسس که یک‌روز در هفته در این کتابخانه جمع می‌شدند صادر می‌گردد. متأسفانه تا به امروز اثری از نقش و یا سجع این مهر بدست نیامده است.

واقفان و اهداکنندگان کتاب به کتابخانه ملی طهران

چنانچه پیش از این اشاره شد، همزمان با افتتاح کتابخانه و هریک از بزرگان و اعیان هم مقداری کتاب به این کتابخانه اهدا نمودند. (مدرک شماره ۴) مطابق بند ۲ از فصل دوم نظامنامه کتابخانه دفتردار کتابخانه موظف بوده که صورت اعانه‌های نقدی یا جنسی را نمره و ثبت نماید. از قرار معلوم هر کتابی که به کتابخانه اهدا می‌گردیده در مقابل قبض رسیدی که مهور به مهر کتابخانه ملی طهران بوده برای او صادر و توسط خادم کتابخانه به دست اهداکننده می‌رسیده است. این دفتر تا چندی پیش مفقود و اثری از آن در دست نبود، اما طی گزارش مفصلی که از فعالیت‌ها و کارهای کتابخانه ملی طهران در روزنامه آفتاب سال ۱۳۳۲ ق یعنی حدود هشت سال پس از افتتاح رسمی کتابخانه منتشر می‌شود، گزارشگر بر اساس همین دفتر فهرستی از اهداکنندگان کتاب به کتابخانه، بعلاوه تعداد کتابهای اهدایی هر نفر ارائه می‌دهد:

- «۱- میرزا آقا اصفهانی: ۶ جلد کتاب؛ ۲- مرحوم ملک‌المتکلمین: ۳ جلد کتاب؛ ۳- آقای میرزا جعفرخان ولد آقای صدیق خلوت: ۱۹ جلد کتاب؛ ۴- آقای میرزا غلامحسین خان: ۲ جلد؛ ۵- آقای میرزا جوادخان [شاید میرزا جوادخان سعدالدوله باشد] ۴ جلد؛ ۶- آقای میرزا تقی خان: ۱۰ جلد؛ ۷- آقای شاهزاده جلال‌الدین میرزا؛ ۴ جلد؛ ۸- آقای میرزا حسین علی خان محتشم حضور: دو فقره ۴۹ جلد؛ ۹- آقای میرزا

سید شکرالله خان: ۱ جلد؛ ۱۰- آقای منطق الملک: ۲۰ جلد؛ ۱۱- حاج میرزا علی محمد دولت‌آبادی: ۸۱ جلد؛ ۱۲- آقای احتشام السلطنه: ۵۱ جلد؛ ۱۳- آقای مترجم الملک: ۲۸ جلد به انضمام یک نقشه ایران؛ ۱۴- آقای میرزا تقی خان ولد نصیر الممالک: ۲۸ جلد؛ ۱۵- آقای حاج امین الدوله: ۵۰ جلد؛ ۱۶- آقای میرزا ابراهیم خان: ۲ جلد؛ ۱۷- آقای میرزا تقی خان منظم الملک: ۱۸ جلد؛ ۱۸- آقای میرزا نصرالله خان: ۲ جلد؛ ۱۹- آقای حاج فرج‌الله: ۴ جلد؛ ۲۰- به توسط آقای حاج سید ابوالحسن بدون اسم: ۱ جلد؛ ۲۱- شاهزاده بهاء الدوله: ۱۰ جلد؛ ۲۲- آقای امیر قاسم خان: ۹ جلد؛ ۲۳- آقای سید جمال‌الدین پسر آقای حاج سید نصرالله: ۳ جلد؛ ۲۴- آقای نصره السلطان: ۲۰ جلد؛ ۲۵- آقای سید محمد رضا مساوات: [شیرازی مدیر روزنامه مساوات] ۲ جلد؛ ۲۶- آقای میرزا رضا مهندس: ۳۰ جلد به انضمام یک جلد اطلس کتابی؛ ۲۷- آقای میرزا مهدی: ۵ جلد؛ ۲۸- مرحوم حاج شیخ فضل‌الله [نوری]: ۸ جلد؛ ۲۹- آقای اعتضاد السلطان: ۸ جلد؛ ۳۰- آقای لواء السلطنه: ۲۰ جلد؛ ۳۱- شاهزاده سلطان محمود میرزا: ۲۳ جلد؛ ۳۲- آقای صدیق الدوله: ۱۲ جلد؛ ۳۳- آقای سردار سعید: ۱۷ جلد؛ ۳۴- آقای میرزا محمد علی دولت‌آبادی: ۸ جلد؛ ۳۵- آقای مفتاح الملک: ۲۰ جلد؛ ۳۶- آقای مظفر الملک: ۱۸ جلد؛ ۳۷- از طرف مدرسه مبارکه دارالفنون: ۵۱ جلد؛ ۳۸- آقای کمالی (ظاهراً حیدر علی کمالی نویسنده و شاعر): ۱ جلد؛ ۳۹- شاهزاده محمد جعفر میرزا: ۵۸ جلد؛ ۴۰- آقای میرزا تقی خان: ۵۹ جلد؛ ۴۱- آقای سید حسین کتابفروش: ۲۰ جلد؛ ۴۲- آقای مقوم الملک: ۳۹ جلد؛ ۴۳- آقای حاج میرزا حسن رشديه: ۳۳ جلد؛ ۴۴- آقای بهجت العلماء: ۳ جلد؛ ۴۵- آقای سیف السلطنه: ۱۵ جلد؛ ۴۶- آقای سعید العلماء: ۱۱ جلد؛ ۴۷- آقای حاجی میرزا یحیی: ۷ جلد؛ ۴۸- آقای حاج ابوالفتح خان: ۱۹ جلد؛ ۴۹- آقای جلال نظام: ۱۵ جلد؛ ۵۰- آقای مفتاح السلطنه: ۷ جلد؛ ۵۱- آقای حاج سید نصرالله: ۱۸ جلد؛ ۵۲- میرزا یوسف آقا ولد آقای مرتضوی: ۸ جلد؛ ۵۳- شاگردان مدرسه قدسیه: یک قطعه نقشه آسیا؛ ۵۴- آقا میرزا عبدالرزاق خان مهندس [ظاهراً بغایری]: ۱ جلد به انضمام یک قطعه نقشه: ۵۵- توسط آقای شیخ محمد علی بدون اسم: ۳ جلد؛ ۵۶- آقای مؤتمن: ۴۶ جلد؛ ۵۷- آقای میرزا محمود خان دکتر: ۱ جلد؛ ۵۸- آقای بیان السلطنه: ۲ جلد؛ ۵۹- آقای اعلم الدوله: ۵۱ جلد؛ ۶۰- از ورشو [لهستان]: ۱ جلد^۱

۱. گلزار خاموش، ۹۸؛ کتابخانه ملی از چهل سال پیش از تأسیس، ۶. به نقل از: روزنامه آفتاب، سال دوم، شماره ۹۱ (۲۵۳)، چهارشنبه ۴ محرم ۱۳۳۲ ق، ص ۴.

گزارشگر کتابخانه دربارهٔ مجموعهٔ کتب فراهم آمده برای کتابخانه نوشته است:

«مجموع این کتابها که در ثبت دفتر کتابخانه داخل شده نهصد و شصت و یک جلد است ولی کتب موجود کتابخانه یکهزار و پانزده جلد است.»

به این ترتیب احتمال داده می‌شود که پاره‌ای از کتابها که بعدها داده شده ثبت نشده‌اند. همچنین چنانچه در گزارش روزنامهٔ آفتاب اشاره شده بجز اهدا بخشی از کتاب‌های کتابخانه نیز از طریق خرید جمع‌آوری شده است که هزینهٔ آن نیز از طریق برخی از مردم تهیه شده است:

«چند نفر از آقایان که نتوانسته یا نخواسته‌اند عین کتاب تقدیم نمایند مبلغی برای خریداری کتب نیاز کرده‌اند که اسامی آنان از این قرار است: آقایان محاسب الوزاره؛ ثقة‌الاسلام؛ عمادالسلطان؛ بیان السلطان (هر یک پنج تومان)؛ آقای افتخام الممالک: دو تومان؛ مجموع بیست و دو تومان»

دفتر ثبت کتاب‌های اهدائی به کتابخانهٔ ملی طهران

چندی پیش طی خرید مجموعه‌ای از اسناد در موضوع کتاب و کتابخوانی، کراسه‌ای به‌دستم رسید که جلوی اسامی افرادی نام یکسری کتاب نوشته شده بود. در نگاه اول از روی اسامی افراد و نام کتاب‌ها می‌توان اینگونه تشخیص داد که این فهرست متعلق به کتاب‌های اهدایی به کتابخانه‌ای مربوط به دورهٔ قاجار است. اما از آنجایی که این کراسه فاقد جلد، مقدمه و یا هر نوع توضیحی بود شناسایی کتابخانه معوق ماند. در جریان تدوین تاریخ کتابخانهٔ ملی و نگارش چاپ‌نوشت ۱۲ و زمانی که دو مقالهٔ ارزشمند در این خصوص یعنی «کتابخانهٔ ملی از چهل سال پیش از تأسیس» نگاشتهٔ جناب آقای مسعود کوهستانی نژاد و مقالهٔ «نخستین کتابخانهٔ ملی طهران» تألیف زنده‌یادان محمد گلبن و همسرشان راضیهٔ دانشیان را مطالعه می‌نمودم به گزارش مفصلی که در روزنامهٔ آفتاب سال ۱۳۳۲ق در خصوص کتابخانهٔ ملی طهران منتشر و در این دو مقاله آمده بود برخورد کردم. در این گزارش چنانکه که گذشت فهرستی از اهداکنندگان و تعداد کتاب‌های اهدایی هریک ذکر شده بود که مشخصاً از روی دفتر ثبت کتاب‌های اهدائی به این کتابخانه بود. و این اطلاعات دقیقاً با همین کراسه که امروز در نزد من محفوظ است تطبیق می‌نمود. حالا اینکه چرا و چگونه دفتر ثبت کتابخانهٔ ملی طهران در

دوره‌مشروطه بعد از آنهمه محافظت و دقتی که اعضای کتابخانه در حفظ اموال و کتاب‌های این کتابخانه داشتند، دست به دست گشته و سر از آرشیو من درآورده از جمله هزاران نکته‌غامض و اعجاب‌برانگیز تاریخ است.

۱	کتابخانه آقا	۱	تاریخ ایران
۲		۲	۳۱۱
۳		۳	۳۱۱
۴		۴	۳۱۱
۵		۵	حقوق دول
۶		۶	ثروت مل
۷	کتابخانه	۷	احوال
۸		۸	احوال
۹		۹	احوال
۱۰	کتابخانه	۱۰	دین
۱۱		۱۱	کتابخانه
۱۲		۱۲	کتابخانه
۱۳		۱۳	تاریخ ایران
۱۴		۱۴	کتابخانه
۱۵		۱۵	کتابخانه
۱۶		۱۶	کتابخانه
۱۷		۱۷	کتابخانه
۱۸		۱۸	کتابخانه
۱۹		۱۹	کتابخانه
۲۰		۲۰	کتابخانه
۲۱		۲۱	کتابخانه
۲۲		۲۲	کتابخانه
۲۳		۲۳	کتابخانه
۲۴		۲۴	کتابخانه
۲۵		۲۵	کتابخانه
۲۶		۲۶	کتابخانه
۲۷		۲۷	کتابخانه
۲۸		۲۸	کتابخانه
۲۹		۲۹	کتابخانه
۳۰		۳۰	کتابخانه

به هر روی این کراسه مشتمل بر ۱۶ برگ کاغذ سفید نازل روسی در ابعاد ۳۵ در ۲۲ سانتی‌متر است که به وسیله مداد خط کشی و به خط نستعلیق تحریری با جوهر و مداد بر روی آن کتابت شده است. هر صفحه به چهار ستون تقسیم شده که ستون اول خالی و هیچ چیز در آن کتابت نگردیده، ستون دوم نام و مشخصات اهداکننده و در ستون سوم شماره ترتیب کتاب‌های اهدایی ثبت گردیده و در ستون چهارم نام کتاب‌ها با برخی مشخصات مختصر ثبت شده است. در بخش ذیل اطلاعات این دفتر - البته برای اشغال فضای کمتر نه به صورت ستونی بلکه به صورت خطی - ارائه گردیده است.

[صفحه ۱]

۱. تاریخ عمومی (جلد)؛ ۲. ایضا؛ ۳. ایضا؛ ۴. ایضا؛ ۵. حقوق دول (جلد)؛ ۶. ثروت ملل (جلد).
۷. اخوان الصفا (جلد اول)؛ ۸. اخوان الصفا (جلد دوم)؛ ۹. اخوان الصفا (جلد سیم).
۱۰. دیکسیونر گازی (جلد)؛ ۱۱. لُم الزانیم (جلد)؛ ۱۲. جغرافیای شیر اذل (جلد)؛ ۱۳. تاریخ عمومی؛ ۱۴. گرامر لاریوفلری (سال دوم)؛ ۱۵. شیمی کوچک؛ ۱۶. حفظ الصحة؛ ۱۷. حساب انگلیسی؛ ۱۸. لکتور اکسپلیکه؛ ۱۹. پُل برت (سال دوم)؛ ۲۰. لکتور کورانت (سال اول)؛ ۲۱. تاریخ فرانسه؛ ۲۲. تاریخ لیتراتور؛ ۲۳. کلیات ظفری؛ ۲۴. کفایة الحساب؛ ۲۵. گرامر مسیوریشار؛ ۲۶. جبر و مقابله؛ ۲۷. هندسه؛ ۲۸. تِلماک مُصوّر.
۲۹. دیکسنونر بشرل؛ ۳۰. اوژ.

[صفحه ۲]

۳۱. دیکسنونر وُلتر؛ ۳۲. ایضا؛ ۳۳. ایضا؛ ۳۴. ایضا.
۳۵. دیکسنونر ترشابسال.
۳۶. شمسیه میرزا اشتها؛ ۳۷. تحفة العالم؛ ۳۸. تفسیر کلام الله مجید؛ ۳۹. لورو پزون
۴۰. دیکسنونر کُنورسایون؛ ۴۱. ایضا؛ ۴۲. ایضا؛ ۴۳. ایضا؛ ۴۴. ایضا؛ ۴۵. ایضا؛ ۴۶. ایضا؛ ۴۷. ایضا؛ ۴۸. ایضا؛ ۴۹. ایضا؛ ۵۰. ایضا؛ ۵۱. ایضا؛ ۵۲. ایضا؛ ۵۳. ایضا؛ ۵۴. ایضا؛ ۵۵. ایضا؛ ۵۶. ایضا؛ ۵۷. ایضا؛ ۵۸. ایضا؛ ۵۹. ایضا؛ ۶۰. ایضا؛

[صفحة ۲]

۶۱. ایضا؛ ۶۲. ایضا؛ ۶۳. ایضا؛ ۶۴. ایضا؛ ۶۵. ایضا؛ ۶۶. ایضا؛ ۶۷. ایضا؛ ۶۸. ایضا؛ ۶۹. تاریخ ناپلیون (جلد اول)؛ ۷۰. ایضا (جلد دوم)؛ ۷۱. ایضا (جلد سیم)؛ ۷۲. ایضا (جلد چهارم)؛ ۷۳. جبر و مقابله (جلد)؛ ۷۴. تاریخ اشکانیان (جلد اول)؛ ۷۵. تاریخ اشکانیان (جلد دوم)؛ ۷۶. ماری آن توانت؛ ۷۷. شب‌نشینهای اسلامبول؛ ۷۸. اسکاندال؛ ۷۹. مانسر؛ ۸۰. ابدودیک (تاریخ عمومی)؛ ۸۱. مسافرت در زلاند جدید.

۸۲. ایستواررومن (جلد)

۸۳. آجرومیه؛ ۸۴. مغنی؛ ۸۵. شمسایی؛ ۸۶. تجوید؛ ۸۷. طب؛ ۸۸. واردات غیبی؛ ۸۹. اصول علم فیزیک؛ ۹۰. گلستان؛ [صفحة ۳]

۹۱. مرآة العاشقین (جلد)؛ ۹۲. مرآة العالم؛ ۹۳. کنز الحساب؛ ۹۴. مجمع الجواهر؛ ۹۵. جامع الدعوات؛ ۹۶. علم حساب؛ ۹۷. کلام الله مجید؛ ۹۸. آلمانی؛ ۹۹. ایضا؛ ۱۰۰. ایضا؛ ۱۰۱. ایضا؛ ۱۰۲. ایضا.

۶۳

آینه پژوهش | ۲۰۷
سال ۳۵ | شماره ۳
مرداد و شهریور ۱۴۰۳

۱۰۳. ناسخ التواریخ (جلد چهارم)؛ ۱۰۴. حجة المضنه؛ ۱۰۵. مناقب ابن شهرآشوب؛ ۱۰۶. شرح هدایه صدرالدین شیرازی؛ ۱۰۷. کتاب البیع حاجی میرزا حبیب‌الله؛ ۱۰۸. شرح خطبه حضرت زهرا؛ ۱۰۹. تمهید القواعد؛ ۱۱۰. حاشیه پیچوری؟

۱۱۱. منهاج الطالبین؛ ۱۱۲. لولوء البحرین؛ ۱۱۳. نزهة الطرف؛ ۱۱۴. کنز المعانی؛ ۱۱۵. قصرانی؛ ۱۱۶. ذخیره المعاد؛ ۱۱۷. کشف الآیات؛ ۱۱۸. مناقب ابن شهرآشوب؛ ۱۱۹. نجوم؛ ۱۲۰. مقامات حمیدی؛ [صفحة ۴] ۱۲۱. تاریخ کیلوم؛ ۱۲۲. تذکره دولت‌شاه؛ ۱۲۳. حدایق الطبیعه؛ ۱۲۴. منازل السائرین؛ ۱۲۵. شرح ابن عقیل؛ ۱۲۶. مستطرف؛ ۱۲۷. استبصار؛ ۱۲۸. تاریخ عالم‌آرا؛ ۱۲۹. سیزدهم بحار الانوار؛ ۱۳۰. مجمع البحرین؛ ۱۳۱. عاشر بحار الانوار؛ ۱۳۲. غیاث اللغات؛ ۱۳۳. أصابه؛ ۱۳۴. سالنامه

۱. در اینجا شماره ۷۸ تکرار شده که در حاشیه نیز به قلم آبی این عبارت در تصحیح آن آمده است: «در حاشیه آمده است نمره ۷۸ مکرر است» و ترتیب شماره‌ها در نسخه از اینجا به بعد یک شماره عقب است.

۲. مرآت العاشقین نویسنده: مجنون مراغه‌ای، رضاقللی بن ملک قاسم طهران: مطبعه خورشید، ۱۷۲+۶ ص، ۱۳۲۲ق [شماره کتابشناسی ملی: ۷۳۵۰۹۹۳]

۳. اصل: «بهار».

۴. اصل: «بهار».

بصره؛ ۱۳۵. قابوس؛ ۱۳۶. تفسیر علی ابن ابراهیم؛ ۱۳۷. ارشاد الساری؛ ۱۳۸. تفسیر خازن؛ ۱۳۹. ایضا؛ ۱۴۰. ایضا؛ ۱۴۱. ایضا؛ ۱۴۲. ایضا؛ ۱۴۳. ایضا؛ ۱۴۴. ارشاد الساری؛ ۱۴۵. ایضا؛ ۱۴۶. ایضا؛ ۱۴۷. ایضا؛ ۱۴۸. ایضا؛ ۱۴۹. ایضا؛ [صفحه ۵] ۱۵۰. ایضا؛ ۱۵۱. ایضا؛ ۱۵۲. ایضا؛ ۱۵۳. تاریخ خمیس؛ ۱۵۴. صحیح بخاری؛ ۱۵۵. ایضا؛ ۱۵۶. سیاحت‌نامه ابراهیم بیگ؛ ۱۵۷. میزان‌الموازنین؛ ۱۵۸. هیئتة خطی؛ ۱۵۹. قوانین خطی؛ ۱۶۰. بیان و بدیع مطول؛ ۱۶۱. رسائل سیدکاظم رشتی.

۱۶۲. تاریخ استانله؛ ۱۶۳. لُگارِیتم فرانسه؛ ۱۶۴. پُل برت؛ ۱۶۵. وفایی؛ ۱۶۶. مرآت العاشقین؛ ۱۶۷. مکالمه روس و عربی و ترکی؛ ۱۶۸. گلستان بزرگ؛ ۱۶۹. فیزیک؛ ۱۷۰. فُرتی فیکاسیون؛ ۱۷۱. ایضا؛ ۱۷۲. لستامان انگلیس و فرانسه؛ ۱۷۳. گرامر شابسال؛ ۱۷۴. مجمع الجواهر؛ ۱۷۵. لکتور کورانت؛ ۱۷۶. انجیل مرقس؛ ۱۷۷. جغرافیای نقشه‌دار؛ ۱۷۸. حکمت طبیعیه؛ ۱۷۹. لغت؛ ۱۸۰. گرامر شابسال؛ [صفحه ۶] ۱۸۱. دیکسیونر؛ ۱۸۲. نقشه ایران.

۱۸۳. جغرافیای جدید؛ ۱۸۴. گرامر یونانی و انگلیسی؛ ۱۸۵. گرامر انگلیسی؛ ۱۸۶. درس کلاسیک؛ ۱۸۷. صرف و نحو فرانسه بعربی؛ ۱۸۸. عوالم جوانی؛ ۱۸۹. گرامر فرانسه بانگلیسی؛ ۱۹۰. فابل آموزانت فرانسه؛ ۱۹۱. سزار بولژیا؛ ۱۹۲. رولوسیون انگلیسی و فرانسه؛ ۱۹۳. وُپاژ وِلاپالین؛ ۱۹۴. لسان العجم فارسی؛ ۱۹۵. ایستوارد کرووازاد؛ ۱۹۶. ماکبت؛ ۱۹۷. جغرافیای فرانسه؛ ۱۹۸. شارل نوف؛ ۱۹۹. هابل؛ ۲۰۰. روزنامه مصور انگلیسی؛ ۲۰۱. شرح احوال عثمانیها انگلیسی؛ ۲۰۲. تاریخ مصر؛ ۲۰۳. مموار ناسیونال؛ ۲۰۴. سوانش آنترفامیلی؛ ۲۰۵. طبایخی فرانسه؛ ۲۰۶. اسبدوانی انگلیسی؛ ۲۰۷. فِدراستون؛ ۲۰۸. آلمانا؛ ۲۰۹. مردمان بزرگ انگلیسی؛ ۲۱۰. اوتن ویرگس.

۲۱۱. جاویدان خرد؛ [صفحه ۷] ۲۱۲. کتاب الشفاء؛ ۲۱۳. انجیل لوقا؛ ۲۱۴. حسن دل؛ ۲۱۵. بکر و تصتب؟؛ ۲۱۶. نیل العرب؛ ۲۱۷. دیوان ملاحمد نراقی؛ ۲۱۸. نهج البلاغه؛ ۲۱۹. تقویم العوج؛ ۲۲۰. تاج المصادر؛ ۲۲۱. شرح فصوص؛ ۲۲۲. قواعد منطقی؛ ۲۲۳. طراز المجالس؛ ۲۲۴. منتهی المنافع؛ ۲۲۵. جغرافیا؛ ۲۲۶. ناصر خسرو علوی؛ ۲۲۷. حکیم فرجی؛ ۲۲۸. دیوان انوری؛ ۲۲۹. شرح جوهر مکنون؛ ۲۳۰. شرح شافی؛ ۲۳۱. ناصر خسرو؛ ۲۳۲. رساله فاضل کاشانی؛ ۲۳۳. شرح مشمشى؟؛ ۲۳۴. منقول الرضائی؛ ۲۳۵. تام الحکمة؛ ۲۳۶. مقالات نظامیه؛ ۲۳۷. هدایة المسترشدين؛ ۲۳۸. تذکرة الأئمة؛ ۲۳۹. تهافت الفلاسفة؛

۲۴۰. قانون نظامی؛ ۲۴۱. تاریخ معجم؛ ۲۴۲. ایضاً؛ [صفحه ۸] ۲۴۳. مراثی؛ ۲۴۴. کاد استیره؛ ۲۴۵. جواهر نقاب؛ ۲۴۶. ترجمه انجیل؛ ۲۴۷. منتخب دانش؛ ۲۴۸. ایضاً؛ ۲۴۹. جلد دوم منتظم ناصری؛ ۲۵۰. جلد دوم نامه دانشوران؛ ۲۵۱. جلد اول و دوم ناسخ التواریخ؛ ۲۵۲. جلد اول ناسخ التواریخ حالات قاجاریه؛ ۲۵۳. جلد اول از کتاب دوم ناسخ التواریخ؛ ۲۵۴. جلد دوم از کتاب دوم ناسخ التواریخ؛ ۲۵۵. جلد سیم از کتاب دوم [ناسخ التواریخ]؛ ۲۵۶. جلد ششم از کتاب دوم [ناسخ التواریخ]؛ ۲۵۷. جلد اول ناسخ [التواریخ]؛ ۲۵۸. مجتهد الشعراء؛ ۲۵۹. هیئت جدید؛ ۲۶۰. صرف و نحو فارسی.

۲۶۱. جلد اول دیکسیونر نیکلا؛ ۲۶۲. جلد دوم دیکسیونر نیکلا.

۲۶۳. اتحاد السلام شیخ رئیس؛ ۲۶۴. زبده شیخ بهائی؛ ۲۶۵. کشف الحجاب در علم حساب جدید؛ ۲۶۶. نزهة الالباب در علم حساب جدید؛ ۲۶۷. روض الاخیار؛ ۲۶۸. دیوان ابوالعلی معری؛ ۲۶۹. الف ليلة عربی؛ ۲۷۰. ایضاً؛ ۲۷۱. زبده الصحائف در اصول معارف؛ ۲۷۲. دیوان محی‌الدین اعرابی؛ ۲۷۳. حقوق بین‌الملل؛ [صفحه ۸] ۲۷۴. زمان مادموازل مارگریت؛ ۲۷۵. چهارچمن مانکشیه چی؛ ۲۷۶. شرایع الاسلام در فقه؛ ۲۷۷. شرح مثنوی؛ ۲۷۸. حاشیه در منطق؛ ۲۷۹. روضة الصفاء؛ ۲۸۰. تنبیه الصبیان صرف و نحو فارسی.

۲۸۱. نصاب فرانسه و فارسی؛ ۲۸۲. ایضاً.

۲۸۳. ترجمه مفتاح الفلاح؛ ۲۸۴. دستور حکومت؛ ۲۸۵. علم دفترداری^۱؛ ۲۸۶. مقاصد‌العلیة؛ (بتوسط حاج سیدابوالحسن) ۲۸۷. منشآت مرحوم حاجی معتمد‌الدوله.

(از نمرة ۲۸۷ تا نمرة ۲۹۶)^۲ تاریخ ابن‌یمین (۱۰ جلد)

۲۹۸. الف ليلة فرانسه؛ ۲۹۹. تاریخ طبیعی فرانسه؛ ۳۰۰. دیکسیونر نیکلا قسمت دوم؛ ۳۰۱. سر‌الادب؛ ۳۰۲. تاریخ معجم؛ ۳۰۳. منقول‌الرضائی در رد یهود؛ ۳۰۴. لغت نقاشباشی؛ ۳۰۵. کل‌او‌پاتر؛ ۳۰۶. اون پاری زین شل زانطروپوفاژ.

۱. علم دفترداری نویسنده: مشیرالوزاره، مسعود بن محمود طهران: دارالطباعة فاروس، ۷۱ص، وزیري، ۱۳۲۳ق.
(چاپ سربی) [شماره کتابشناسی ملی: ۴۸۲۷۲۹۲]

۲. اصل از نمرة ۲۸۸ تا ۲۹۷.

۳۰۷. مکالمه روسی و فارسی و ترکی و عربی؛ ۳۰۸. مدخل الحساب؛ ۳۰۹. جغرافیای مختصر عمومی.

۳۱۰. مجمع البیان جلد اول؛ ۳۱۱. ایضاً جلد دوم؛ ۳۱۲. قصص الأنبياء؛ ۳۱۳. مصابیح السنة؛ [صفحة ۹] ۳۱۴. نشوة السكران؛ ۳۱۵. کتاب مقدس؛ ۳۱۶. داستان ترکتازان هند؛ ۳۱۷. ایضاً؛ ۳۱۸. ایضاً؛ ۳۱۹. ایضاً؛ ۳۲۰. فرهنگ داستان ترکتازان هند؛ ۳۲۱. ناله عندلیب؛ ۳۲۲. نجوم الهند؛ ۳۲۳. تاریخ یونان فارسی؛ ۳۲۴. شرح حال دکتر فوریه در مدت سه سال در ایران؛ ۳۲۵. ثروت ملل؛ ۳۲۶. پریک سانگلان؛ ۳۲۷. کوزن پون؛ ۳۲۸. قوای الکتریسیته؛ ۳۲۹. مردمان قطبی (مُندپورل).

۳۳۰. تفسیر صافی خطی؛ ۳۳۱. ینابیع المودة.

۳۳۲. حل المسائل جبر و مقابله؛ ۳۳۳. ایضاً؛ ۳۳۴. جهان‌نمای مسطح عالم. ۳۳۵. ناسخ التواریخ؛ ۳۳۶. زیادة الصحائف؛ ۳۳۷. فلک السعادة؛ ۳۳۸. تاریخ مکه معظمه.

۳۳۹. مرآة البلدان ناصری؛ ۳۴۰. تاریخ اشکانیان پنج جلد در یک جلد؛ ۳۴۱. تاریخ مطلع الشمس؛ ۳۴۲. ایضاً؛ ۳۴۳. ایضاً؛ [صفحة ۱۰] ۳۴۴. تاریخ سرجان ملک؛ ۳۴۵. منتظم ناصری؛ ۳۴۶. تدوین؛ ۳۴۷. تلماک؛ ۳۴۸. منتظم ناصری؛ ۳۴۹. منتظم ناصری؛ ۳۵۰. مرآة البلدان؛ ۳۵۱. ایضاً؛ ۳۵۲. ایضاً.

۳۵۳. مستدرک الوسائل یکدوره؛ ۳۵۴. ایضاً؛ ۳۵۵. ایضاً؛ ۳۵۶. زاد المعاد؛ ۳۵۷. اقبال ابن طاووس؛ ۳۵۸. رسائل مرحوم شیخ مرتضی؛ ۳۵۹. صلوة مرحوم شیخ مرتضی؛ ۳۶۰. معتبر.

۳۶۱. نورالانوار مسیحی؛ ۳۶۲. تاریخ مانوکچی صاحب؛ از ۳۶۳ تا ۳۷۲. کتاب قانون نظامی (۱۰ جلد)؛ ۳۷۳. به تل فرانسه ایللوستره؛ ۳۷۴. اکونومی پولیتیک؛ ۳۷۵. کسمو پولی؛ ۳۷۶. دیوان اسرار؛ ۳۷۷. دویم آمپیر؛ ۳۷۸. جنگ ۱۸۷۰ الی ۱۸۷۱؛ ۳۷۹. به تل فرانسه ایللوستره؛ ۳۸۰. اسر؟ انقلاب.

۱. الاقبال تألیف: ابن طاووس، علی بن موسی (۵۸۹-۶۶۴ق) کتاب: طالقانی، علی اکبر کتاب: نفرشی، یحیی مصحح: نوری طبری، فضل الله مصحح: حسینی لواسانی، محمد طهران، بی‌جا، ۷۲۸ص، ۱۳۳۰ق. [شماره کتابشناسی ملی: ۲۴۰۵۲۹۴]

۲. اصل از ۳۶۲ تا ۳۷۱.

۳۸۱. نقشه اطلس کتابی

از ۳۸۲ تا ۴۰۴^۱. سان بُن لیور

۴۰۵. منتهی‌الارب؛ ۴۰۶. ایضا؛ [صفحه ۱۱] ۴۰۷. کنزاللغه؛ ۴۰۸. برهان قاطع؛ ۴۰۹. شرح قاموس؛ ۴۱۰. روضة الصفاء ۴ مجلد در یک جلد؛ ۴۱۱. تاریخ أفغانستان؛ ۴۱۲. مصباح اللغة؛ ۴۱۳. نزهة القلوب؛ ۴۱۴. حدیقه سنائی؛ ۴۱۵. قطرالمحیط^۲؛ ۴۱۶. ایضا.

۴۱۷. مثنوی خطی؛ ۴۱۸. سان بُن لیور؛ ۴۱۹. ایضا؛ ۴۲۰. ایضا؛ ۴۲۱. ایضا؛ ۴۲۲. ایضا؛ ۴۲۳. ایضا؛ ۴۲۴. ایضا؛ ۴۲۵. ایضا؛ ۴۲۶. کاوش‌نامه پاریسی؛ ۴۲۷. تاریخ معجم؛ ۴۲۸. هرمس مصری؛ ۴۲۹. جام جم؛ ۴۳۰. تاریخ ایران ذکاء‌الملک؛ ۴۳۱. میزان‌المعرفه مرحوم حاجی؛ ۴۳۲. لغت بشرل؛ ۴۳۳. ایضا.

۴۳۴. اسرار‌التنزیل؛ ۴۳۵. کشف‌الفوائد؛ ۴۳۶. لسان‌الصدق؛ [صفحه ۱۲] ۴۳۷. انوار قدسیه؛ ۴۳۸. ارشاد دیلمی؛ ۴۳۹. منتخب‌الحساب؛ ۴۴۰. محکم و متشابه سیدمرتضی؛ ۴۴۱. دیوان هاتف.

۴۴۲. ۴۴۳. ۴۴۴. ۴۴۵. ۴۴۶. ۴۴۷. ۴۴۸. ۴۴۹. ۴۵۰. ۴۵۱. ۴۵۲. ۴۵۳. ۴۵۴. ۴۵۵. ۴۵۶. ۴۵۷. ۴۵۸. ۴۵۹. ۴۶۰. ۴۶۱.^۳

۴۶۲. کفایه‌الجغرافی جدید؛ ۴۶۳. اطلس دورئیش فرانسه؛ ۴۶۴. منش‌ات مرحوم معتمدالدوله؛ ۴۶۵. پندنامه مارکوس؛ ۴۶۶. کتاب لارن مارکر؛ [صفحه ۱۳] ۴۶۷. دره نادری؛ ۴۶۸. هندسه نجم‌الملک؛ ۴۶۹. مخزن‌الانشاء؛ ۴۷۰. تاریخ و صاف؛ ۴۷۱. رمان شان دل؛ ۴۷۲. انیس‌الادباء؛ ۴۷۳. پلیس سکریت؛ ۴۷۴. الدرف؛ ۴۷۵. سنت هوبرقی؛ ۴۷۶. حساب؛ ۴۷۷. ماری لویز؛ ۴۷۸. ایضا؛ ۴۷۹. ملکه خانم فرانسه.

۴۸۰. جغرافیای موسوم باطلس؛ ۴۸۱. ایضا؛ ۴۸۲. جغرافیای نجم‌الدوله اصول؛ ۴۸۳. ایضا؛ ۴۸۴. جغرافیای نجم‌الدوله فروع؛ ۴۸۵. ایضا؛ ۴۸۶. فیزیولوژی؛ ۴۸۷. ایضا؛ ۴۸۸. علم شیمی؛ ۴۸۹. ایضا؛ ۴۹۰. لغت مزین‌الدوله اول؛ ۴۹۱. ایضا؛ ۴۹۲.

۱. اصل از ۳۸۱ تا ۴۰۳.

۲. قطر‌المحیط نویسنده: بستانی، بطرس (۱۸۱۹-۱۸۸۳م) بیروت: بی‌نا، ۲ جلد، ۱۸۶۹م/۱۲۸۶ق. (سربی) [شماره کتابشناسی ملی: ۴۸۲۵۹۹۳]

۳. جلوی همگی شماره‌ها خالی است و نام هیچ کتابی ثبت نشده است.

۴. صفحات ۱۴ و ۱۵ سفید است.

لغت مزین الدوله دویم؛ ۴۹۳. ایضا؛ ۴۹۴. لغت مزین الدوله سیم؛ ۴۹۵. ایضا؛ ۴۹۶. رساله خمیره تألیف میرزا تقی خان؛ ۴۹۷. ایضا؛ [صفحه ۱۶] ۴۹۸. حدایق الطبیعه؛ ۴۹۹. ایضا؛ ۵۰۰. هندسه در علم حساب تألیف مسیو کرشیش؛ ۵۰۱. ایضا؛ ۵۰۲. اصول جبر و مقابله تألیف علی خان؛ ۵۰۳. ایضا؛ ۵۰۴. میزان الحساب؛ ۵۰۵. ایضا؛ ۵۰۶. لمحات العالمه تألیف دکتر علی خان؛ ۵۰۷. ایضا؛ ۵۰۸. علم موسیقی تألیف مسیو لمر؛ ۵۰۹. ابریشم سازی؛ ۵۱۰. ایضا؛ ۵۱۱. جراحی تألیف دکتر پیولاک؛ ۵۱۲. تراپوتیک تألیف میرزا ابوالحسن خان؛ ۵۱۳. ایضا؛ ۵۱۴. لغت متشابه تألیف اعتمادالسلطنه؛ ۵۱۵. ایضا؛ ۵۱۶. رساله نظامی در علم توپخانه تألیف مسیو نیکلا در توپخانه؛ ۵۱۷. ایضا؛ ۵۱۸. رساله نظامی در علم توپخانه در قلعه سازی؛ ۵۱۹. ایضا؛ ۵۲۰. در جر و اثقال و حکمت و طبیعی؛ ۵۲۱. ایضا؛ ۵۲۲. تألیف آقاخان جبر و مقابله؛ ۵۲۳. رساله نظامی در علم توپخانه؛ ۵۲۴. ایضا؛ ۵۲۶. حساب از تالیفات نجم الدوله... [صفحه ۱۷]

[...]

۵۸۹. رساله؛ ۵۹۰. عربی.

۵۹۱. جامی؛ ۵۹۲. شمسیه؛ ۵۹۳. شرایع؛ ۵۹۴. روبنسن کروز؛ ۵۹۵. سرالادب؛ ۵۹۶. مقامات حریری؛ ۵۹۷. مقامات بدیع؛ ۵۹۸. مصیبت خطی؛ ۵۹۹. رساله مشق پیاده نظام؛ ۶۰۰. مشق توپخانه؛ ۶۰۱. نخبه؛ ۶۰۲. دیوان فرخی؛ ۶۰۳. منوچهری خطی؛ ۶۰۴. دیوان موبد؛ ۶۰۵. میزان الحساب؛ ۶۰۶. هندسه مسیو کرشیش؛ ۶۰۷. رساله فیضیه؛ ۶۰۸. دساتیر؛ ۶۰۹. گلدسته چمن؛ ۶۱۰. جبر و مقاله ناظم العلوم؛ ۶۱۱. براهین العجم؛ ۶۱۲. مقامات سمرقندی؛ ۶۱۳. معراج العروض؛ ۶۱۴. فربیک درانکور؛ ۶۱۵. ایضا فرنک بزرک؛ ۶۱۶. پولر سال اول؛ ۶۱۷. ایضا سال دویم؛ ۶۱۸. گرامر سال اول؛ ۶۱۹. ایضا سال دویم؛ [صفحه ۱۸] ۶۲۰. شیمی درنگور؛ ۶۲۱. جغرافیای فُنسن؛ ۶۲۲. تاریخ فرانسه؛ ۶۲۳. تاریخ فرانسه؛ ۶۲۴. ایضا سال دویم؛ ۶۲۵. تاریخ ادبیات فرانسه؛ ۶۲۶. سان پتی کنت؛ ۶۲۷. لکتور کورانت؛ ۶۲۸. کاغذنویس فرانسه؛ ۶۲۹. مقدمات فرانسه؛ ۶۳۰. لکتور

۱. از اینجا تا شماره ۵۸۹ احتمالاً یک صفحه افتادگی دارد.

۲. ترجمه لغات کتاب سان پتی کنت تألیف: کنت، سان پتی مترجم: تفرشی، زین العابدین کاتب: تفرشی، حسن طهران: دارالطباعة مبارکه دولتی، ۱۰۹ص، ۱۳۲۰ق. [شماره کتابشناسی ملی: ۷۸۱۹۴۸]

اکسپلیله؛ ۶۳۱. فابل فنطن؛ ۶۳۲. حیوان شناسی؛ ۶۳۳. ژیل بلاش؛ ۶۳۴. شارل دوز؛ ۶۳۵. سوویز دوپرفه دوپلیس؛ ۶۳۶. دیکسیونر علمی؛ ۶۳۷. ایضا؛ ۶۳۸. ایضا؛ ۶۳۹. ایضا؛ ۶۴۰ کتاب کاغذسازی؛ ۶۴۱. لسروشز؛ ۶۴۲. انگلیسی کوچک؛ ۶۴۳. ایضا؛ ۶۴۴. ایضا؛ ۶۴۵. ایضا؛ ۶۴۶. ایضا؛ ۶۴۷. رساله کوچک؛ ۶۴۸. ایضا؛ ۶۴۹. ایضا. [صفحه ۱۹]

۶۵۰. نهج البلاغه؛ ۶۵۱. تذکره الخطاطین؛ ۶۵۲. آیات الائمہ؛ ۶۵۳. روزنامه تربیت؛ ۶۵۴. ایضا؛ ۶۵۵. روزنامه علمی؛ ۶۵۶. میزان الحق؛ ۶۵۷. لسان الصدق؛ ۶۵۸. جامع عباسی؛ ۶۵۹. توضیح البیان؛ ۶۶۰. نتیجه المقال؛ ۶۶۱. فصل الخطاب؛ ۶۶۲. مناقب مرتضوی؛ ۶۶۳. فصول عشره؛ ۶۶۴. حقایق الاسرار؛ ۶۶۵. زبدة الصحائف؛ ۶۶۶. سفرنامه مظفرالدین شاه؛ ۶۶۷. اتحاد اسلام؛ ۶۶۸. بحرالمحبه؛ ۶۶۹. منتخب الفضائل.

۶۷۰. ۶۷۱. ۶۷۲. ۶۷۳. ۶۷۴. ۶۷۵. ۶۷۶. ۶۷۷. ۶۷۸. ۶۷۹. ۶۸۰. [صفحه ۲۰]
۶۸۱. ۶۸۲. ۶۸۳. ۶۸۴. ۶۸۵. ۶۸۶. ۶۸۷. ۶۸۸. ۶۸۹. ۶۹۰. ۶۹۱. ۶۹۲. ۶۹۳. ۶۹۴.
۶۹۵. ۶۹۶. ۶۹۷. ۶۹۸. ۶۹۹. ۷۰۰. ۷۰۱. ۷۰۲. ۷۰۳. ۷۰۴. ۷۰۵. ۷۰۶. ۷۰۷. ۷۰۸.^۱
۷۰۹. ۷۱۰. ۷۱۱. ۷۱۲. [صفحه ۲۱] ۷۱۳. ۷۱۴. ۷۱۵. ۷۱۶. ۷۱۷. ۷۱۸. ۷۱۹. ۷۲۰.
۷۲۱. ۷۲۲. ۷۲۳. ۷۲۴. ۷۲۵. ۷۲۶. ۷۲۷. ۷۲۸. ۷۲۹. ۷۳۰. ۷۳۱. ۷۳۲. ۷۳۳.
۷۳۴. ۷۳۵. ۷۳۶. ۷۳۷. ۷۳۸. ۷۳۹. ۷۴۰. ۷۴۱.^۲

۷۴۲. شعار الإسلام؛ ۷۴۳. جلد چهارم روضة الصفاء خطی؛ ۷۴۴. فقه خطی. [صفحه ۲۲]

از ۷۴۵ تا ۷۵۹^۳ حقوق بین الإسلام.
۷۶۰. دیکسیونر فیلسوفی و لتر؛ ۷۶۱. ایضا؛ ۷۶۲. ایضا؛ ۷۶۳. ایضا؛ ۷۶۴. ایضا؛ ۷۶۵. ایضا. تاریخ فرانسه.

۷۶۷. شرح تشریح؛ ۷۶۸. زبدة الصحائف؛ ۷۶۹. جمع بین الرأیین؛ ۷۷۰. تفسیر سورة یوسف؛ ۷۷۱. حاشیه ملاعبده الله؛ ۷۷۲. تصنیفات نج بک ترکی؛ ۷۷۳.

۱. جلوی همگی شماره‌ها خالی است و نام هیچ کتابی ثبت نشده است.
۲. جلوی همگی شماره‌ها خالی است و نام هیچ کتابی ثبت نشده است.
۳. اصل از ۷۴۴ تا ۷۵۸.

مکالمه عربی و ترکی و پارسی؛ ۷۷۴. جلد چهارم از کتاب دویم ناسخ التواریخ؛ ۷۷۵. شرح منازل؛ ۷۷۶. وسیله المعاد؛ ۷۷۷.^۱

۷۷۸. حیات القلوب؛ ۷۷۹. لسان الغیب؛ ۷۸۰. میزان الحق؛ ۷۸۱. اسرار الشهاده؛ ۷۸۲. مناط الاحکام؛ ۷۸۳. امالی طوسی؛ ۷۸۴. ذکاء الملک.

۷۸۵. ژیل بلاس؛ ۷۸۶. رکرآسیون؛ ۷۸۷. تاریخ بعلبک؛ ۷۸۸. شمس طالع؛ ۷۸۹. کشف الآثار؛ [صفحه ۲۳] ۷۹۰. نامه خسروان؛ ۷۹۱. رساله اسماء محل زیارات؛ ۷۹۲. اصول محاکمات ترکی؛ ۷۹۳. زبور داود؛ ۷۹۴. انجیل یوحنا؛ ۷۹۵. انجیل لوقا؛ ۷۹۶. انجیل مقرس؛ ۷۹۷. کفایة الحکمه؛ ۷۹۸. گرامور سویر یور؛ ۷۹۹. گرامر کمپلیت؛ ۸۰۰. مورسوشواری؛ ۸۰۱. علم مطلا و مفضض سازی؛ ۸۰۲. تاریخ ناپلیون؛ ۸۰۳. کریم و بیبر.

۸۰۴. الندرف؛ ۸۰۵. اسرار التنزیل؛ ۸۰۶. تفسیر خازن؛ ۸۰۷. ایضا؛ ۸۰۸. حاشیه علامه؛ ۸۰۹. جنات الخلود؛ ۸۱۰. کتاب الایمان؛ ۸۱۱. کتاب السیاسه؛ ۸۱۲. غایت المسئول؛ ۸۱۳. دارالفنون؛ ۸۱۴. خلاصة الحساب؛ ۸۱۵. مسئل؛ ۸۱۶. سان پتی کنت؛ ۸۱۷. صرف؛ ۸۱۸. کتاب کوچک فرانسه.

۸۱۹. جلد سیم تاریخ ناصری؛ ۸۲۰. دره نادری؛ [صفحه ۲۴] ۸۲۱. منشئات قایم مقام؛ ۸۲۲. آداب ناصری؛ ۸۲۳. عجایب المخلوقات؛ ۸۲۴. مسافرت برزیل؛ ۸۲۵. تاریخ مقدس.

۸۲۶. کتاب الجوامع فی اساسیة البهیة؛ ۸۲۷. مفزع الخلیق؛ ۸۲۸. فوائ المشاهد؛ ۸۲۹. اقناع فی فقه العامة؛ ۸۳۰. مختلف؛ ۸۳۱. مصباح کفعمی؛ ۸۳۲. مقاصد العلیه؛ ۸۳۳. انوار الشهاده؛ ۸۳۴.^۳ شرح زیارت عاشوراء؛ ۸۳۵. شرح فصوص^۴ فارابی؛ ۸۳۶. خصایص مرحوم شیخ جعفر؛ ۸۳۷. امالی شیخ طوسی؛ ۸۳۸. اعلام الوریاء؛ ۸۳۹. تجرید العقائد؛ ۸۴۰. ارشاد الطالبین؛ ۸۴۱. لؤلؤ مرجان؛ ۸۴۲. دلائل الربوبیة؛ ۸۴۳. ربیع الاسابیع.

۷۰

آینه پژوهش | ۲۰۷
سال ۳۵ | شماره ۳
مرداد و شهریور ۱۴۰۳

۱. نام هیچ کتابی درج نشده است.

۲. جنات الخلود تألیف: مدرس، محمد رضا بن محمد مؤمن (قرن ۱۲ق) کتاب: علی اکبر [بی جا] کارخانه عباسعلی تاجر شیستری؛ به مباشرت مهدی بن صالح صحاف تبریزی، ۷۰ص، رحلی، ۱۲۸۴ق. [شماره کتابشناسی ملی: ۷۷۹۹۸۱]

۳. یک شماره اینجا افتادگی دارد.

۴. اصل: فسوس

۸۴۴. لغت فرانسه ترجمه بترکی؛ ۸۴۵. تاریخ گیوم؛ ۸۴۶. جلد چهارم از کتاب دویم ناسخ التواریخ؛ ۸۴۷. جلد اول از کتاب دویم ناسخ التواریخ؛ ۸۴۸. جلد دویم از کتاب دویم ناسخ التواریخ؛ ۸۴۹. جلد دویم از کتاب اول ناسخ التواریخ؛ ۸۵۰. جلد اول قاجاریه؛ ۸۵۱. جلد پنجم از کتاب دویم ناسخ التواریخ. [صفحه ۲۵]

۸۵۲. نقشه آسیا.

۸۵۳. نقشه ایران؛ ۸۵۴. جغرافیا.

۸۵۵. سواران شب؛ ۸۵۶. ایضا؛ ۸۵۷. ایضا.

۸۵۸. کتابی است مصور استانللوپلزا؛ ۸۵۹. سیانش آنفامیشل؟؛ ۸۶۰. ژاولوژی پل برت؛ ۸۶۱. سال اول صرف و نحو لاتن؛ ۸۶۲. تاریخ قرون وسطی؛ ۸۶۳. فابل فلوریان؛ ۸۶۴. ثروت ملل؛ ۸۶۵. شمس طالع؛ ۸۶۶. تاریخ طبیعی آلمانی؛ ۸۶۷. ایضا تاریخ طبیعی؛ ۸۶۸. آلمانی؛ ۸۶۹. آلمانی؛ ۸۷۰. مکالمه بشش زبان؛ ۸۷۱. آلمانی؛ ۸۷۲. آلمانی؛ ۸۷۳. در علوم متنوعه و السنه مختلفه جلد چهارم؛ ۸۷۴. ایضا جلد پنجم؛ ۸۷۵. عجایب پاریس؛ ۸۷۶. در علم صابون سازی و شماعتی؛ ۸۷۷. مسافرت براه هندوستان از دره فرات؛ ۸۷۸. قوانین پلیس؛ ۸۷۹. فلسفه تامپل جلد اول؛ ۸۷۹. ایضا جلد دویم؛ ۸۸۱. فرسنامه؛ [صفحه ۲۶] ۸۸۲. ثمسن؛ ۸۸۳. تلماک انگلیسی؛ ۸۸۴. سرگذشت یکی از مامورین دیپلماسی انگلستان در ایران در ظرف سه سال جلد اول؛ ۸۸۵. ایضا جلد دویم؛ ۸۸۶. لغت فلسفه ولتر جلد اول؛ ۸۸۷. ایضا جلد دویم؛ ۸۸۸. شرح مسافرت بسمت جنوب شرقی آسیا و تاریخ برما؛ ۸۸۹. تاریخ قدیم و جدید مصر؛ ۸۹۰. قوانین نظامی بحری انگلستان؛ ۸۹۱. سال نامه ۱۸۶۴؛ ۸۹۲. الکتربیسیتیه و غیره؛ ۸۹۳. تاریخ هخامنشی؛ ۸۹۴. کریپمین فیلوزوفر؛ ۸۹۵. در علم عطرکشی؛ ۸۹۶. تاریخ زم؛ ۸۹۷. لغت انگلیسی آلمانی؛ ۸۹۸. علم متنوعه؛ ۸۹۹. دیوان هوب؛ ۹۰۰. قوانین نظمیه؛ ۹۰۱. قوانین مشروطیت؛ ۹۰۲. لغت فرانسه و انگلیسی و ایتالیائی و هولندی؛ ۹۰۳. شرح حال اسکندر کبیر؛ ۹۰۴. اطلاعات علمی و صناعی عمومی؛ ۹۰۵. حاجی بابا.

۹۰۶. شیمی دکتر محمودخان.

۹۰۷. سیاح هندی و ایرانی؛ ۹۰۸. ابراهیم بک.

۹۰۹. تعلیم القوابل^۱؛ ۹۱۰. درباب دندان‌کشی؛ ۹۱۱. زنانیکه دوست دارند؛ ۹۱۲. فهرست

۱. تعلیم القوابل، نویسنده: تریاکیان، هاروتین، مترجم: معتمدالسلطان، کاتب: شمس‌الکتاب، محمدعلی،

[ایران: بی‌جا، ۱۴۳ص، ۱۳۲۱ق.، شماره کتابشناسی ملی: ۷۷۸۹۹۶]

ممالک پنج قطعه عالم؛ ۹۱۳. علم زراعت؛ [صفحة ۲۷] ۹۱۴. رساله در علم شیمی؛ ۹۱۵. رساله آقاعلی حکیم؛ ۹۱۶. کتاب لغت فرانسه؛ ۹۱۷. بیت فرانسه؟؛ ۹۱۸. لغت فرانسه تألیف صنیع الدوله؛ ۹۱۹. هادی شهر بروکسل؛ ۹۲۰. در علم مفتشی؟؛ ۹۲۱. کلنک مدیکال؛ ۹۲۲. لگاریتم؛ ۹۲۳. حساب فارسی؛ ۹۲۴. پسر منت کریستو؛ ۹۲۵. جلد چهارم از پسر کنت منت کریستو؛ ۹۲۶. ایضا جلد پنجم؛ ۹۲۷. ایضا جلد دیم؛ ۹۲۸. ایضا؛ ۹۲۹. مراسلاتی که از خطه های قطبی نوشته شده؛ ۹۳۰. دندان سازی؛ ۹۳۱. اکسیسیون دوساوی؛ ۹۳۲. صرف عربی؛ ۹۳۳. واع الایمان؛ ۹۳۴. شیمی آلی ترجمه میرزا محمود خان؛ ۹۳۵. رساله طبی؛ ۹۳۶. ایضا در امراض عصبانی؛ ۹۳۷. ایضا در تشریح؛ ۹۳۸. گرامر فرانسه و آلمانی؛ ۹۳۹. در جراحی و دندان سازی؛ ۹۴۰. لغت فرانسه و آلمانی؛ ۹۴۱. گرامر ساپسال؛ ۹۴۲. آلوان پری سین؛ ۹۴۳. رساله طبی فرانسه؛ ۹۴۴. مکالمه آلمانی و فرانسه؛ ۹۴۵. دیکسیونر فرانسه بآلمانی؛ [صفحة ۲۸] ۹۴۶. بعضی نمرات روزنامه اطلاع؛ ۹۴۷. طب خطی؛ ۹۴۸. شعبده بازی فرانسه؛ ۹۴۹. مجلس حفظ الصحه؛ ۹۵۰. باری لکنتلو^۱؛ ۹۵۱. موزاسی دوانت؛ ۹۵۲. کنت منت کریستو بفرانسه؛ ۹۵۳. روزنامه سلیلاس؛ ۹۵۴. روزنامه لک کر؛ ۹۵۵. لژورمال؛ ۹۵۶. ایضا روزنامه لکر؛ ۹۵۷. شهرنيس؛ ۹۵۸. احوالات شمال آفریقا؛ ۹۵۹. کلام الله خطی.

۹۶۰. سالنامه بلژیک؛ ۹۶۱. عهد جدید.

از آنجایی که این کتاب ها بعداً به کتابخانه معارف منتقل و بعد از آن نیز به کتابخانه ملی ایران منتقل می گردد، با بررسی فهرست کتاب های موجود در کتابخانه ملی ایران البته تنها با قرینه مهر ثبت شده بر روی کتابها برخی از کتاب های این کتابخانه در کتابخانه ملی ایران قابل شناسایی بود که در پاورقی بدان ها اشاره شد، اما سه کتاب زیر باوجود آنکه از جمله کتاب های کتابخانه ملی طهران و ممهور به مهر آن است، نامی از آنها در دفتر ثبت نیامده است:

(۱)

الجنة الباقية والجنة الواقية

تألیف: کفعمی، ابرهیم بن علی (۸۴۰-۹۰۵ق)

ترجمه حسینی قزوینی، محمدرضا بن محمد قاسم

۱. ترجمه سرگذشت کنتس دوباری، معشوقه لوثی ۱۵ نویسنده: دوباری، ژن بکو (۱۷۴۳-۱۷۹۳م) مترجم: ناظم الدوله ابوتراب نوری [طهران]: مطبعه پاریسیان، بی تا. (چاپ سری) [شماره کتابشناسی ملی: ۵۸۱۵۰۴]

کاتب: مجدالاطباء، حبیب‌الله
[بی‌جا]: بی‌نا، ۱۴۲ ص، ۱۳۲۲ق.
[شماره کتابشناسی ملی: ۷۷۹۵۴۵]

(۲)

حاشیه ابراهیم البیجوری علی متن السنوسیه
نویسنده: باجوری، ابراهیم (۱۷۸۴-۱۸۶۰م)
[مصر]: مطبعة الخيرية، ۵۲ ص، ۱۳۱۰ق. (چاپ سربی)
[شماره کتابشناسی ملی: ۴۹۸۱۳۰۸]

(۳)

کلیات حکمت

نویسنده: حکمت، عبدالحکیم
پاریس: مطبعة ل است او است، ۲ جلد، ۳۲+۴۱ ص، ۱۹۰۳/م ۱۳۲۱ق
[شماره کتابشناسی ملی: ۸۸۲۹۳۵۷]

تنوع موضوعی و زبانی کتاب‌های کتابخانه ملی طهران

آنچنانکه از دفتر ثبت این کتابخانه برمی‌آید کتاب‌های کتابخانه ملی طهران از تنوع موضوعی خوبی برخوردار هستند و تقریباً در بسیاری از موضوعات شاهد وجود کتاب‌هایی هستیم، اما بیشتر حجم کتاب‌ها متعلق به موضوع تاریخ، سپس ادبیات و بعد از آن دین است. البته در این میان کتاب‌های درسی جدید نیز از تعداد قابل توجهی برخوردار هستند. بنابر آنچه در گزارش روزنامه آفتاب درج گردیده تعداد کتاب‌ها از لحاظ زبان آنها اینچنین مشخص شده است:

«فعلا کتب موجود به السنه مختلف به قرار زیر است:

[۱]: کتب عربی: ۱۹ جلد؛

[۲]: کتب فارسی: ۴۱۷ جلد؛

[۳]: کتب فرانسه: ۳۰۱ جلد؛

[۴]: کتب انگلیسی: ۵۶ جلد؛

[۵]: کتب ترکی: ۲۳ جلد؛

[۶]: کتب متفرقه ۲۸ جلد»^۱

تعطیلی موقت کتابخانه ملی طهران

کتابخانه از اول حمل سال ۱۳۲۴ق تا جمادی‌الآخر سال ۱۳۲۶ق یعنی به مدت دو سال و پنج ماه به صورت مستمر به فعالیت مشغول است، تا اینکه بر اثر واقعه به توپ بستن مجلس شورای ملی، کتابخانه به تصرف قزاق‌ها درآمد و نگهبان کتابخانه نیز اسیر و نزد لیاخوف فرستاده می‌شود. با مطالعه نظامنامه کتابخانه و بند دوازدهم از فصل دوم که طی آن تأکید شده است که: «صحبت‌های دولتی و پولتیکی رأساً ممنوع است» خیال لیاخوف راحت می‌شود که در این مکان توطئه‌ای علیه محمدعلی شاه در جریان نبوده و نگهبان را آزاد می‌کند. نگهبان سید نصرالله تقوی را در جریان گذاشته و از آنجایی که بیم هجوم دوباره سپاه قزاق و غارت کتابخانه می‌رفته با تدبیر او و با اطلاع به معاون وزارت علوم وقت همگی کتاب‌ها و ملزومات کتابخانه در صندوق‌های قفل‌دار به مدرسه دارالفنون منتقل می‌گردد و بدین ترتیب کتابخانه ملی طهران موقتاً تعطیل می‌گردد.

اینگونه به نظر می‌رسد که این موضوع در روزنامه‌ها و گزارش‌های تاریخی آن روزگار منعکس نمی‌گردد، اما اولین بار دو سال بعد از این واقعه و طی گزارشی که از سابقه فعالیت این کتابخانه در روزنامه مجلس منتشر می‌گردد به این قضیه اشاره می‌شود. (مدرک شماره ۱۰) چند ماه بعد به مناسبت نقدی که در خصوص شخص سید نصرالله تقوی در مجله ملانصرالدین منتشر می‌شود، داستان هجوم به کتابخانه ملی طهران از زبان سید نصرالله تقوی در صحن مجلس شورای ملی بیان می‌گردد. (مدرک شماره ۹)

مدرک شماره ۹

توضیحات سید نصرالله تقوی در خصوص تعطیلی موقت کتابخانه و مسائل مالی کتابخانه

[۲۱ شعبان ۱۳۲۸ق]

«... سه تعطیل امروزی کتابخانه را مجملاً تشریح کنم بعد از هدم مجلس شورای ملی بفاصله یکی دو روز مستحفظ و کتاب‌دار مدرسه نزد من آمدند که کتابخانه در مرض نهیب و غارت و حال مشرف به هلاکت است و شرح دادند که چند نفر قزاق از سوراخ در قهوه‌خانه که به فضای کتابخانه باز میشود متوجه اساس کتابخانه شدند تفتیش از قهوه‌چی یا غیر او کردند پس از تحقیق به کتابخانه ریختند. سید رضی مستحفظ را بعد از کتک و توی‌سری بسیار کشان کشان به مدرسه بردند، سید گفت مرا چرا می‌زنید من مستخدمی بیش نیستم مؤسس کتابخانه دیگرانند که اسامی آنها را در نظامنامه مرقوم است. ثانیاً سید را به جهت یافتن نظامنامه [به کتابخانه بردند و از آنجا سید را با نظامنامه] نزد لیاخوف کشانیدند پس از رسیدن سید، لیاخوف ماجرا را پرسید واقعه را شرح دادند چون در نظامنامه ماده‌ای قید شده بود که در اینجا صحبت پلتیکی ممنوع است وجود این ماده سبب خلاصی سید شد. [سید] پس از رهائی نزد من آمد که تکلیف چیست؟ محتمل است که امشب کتابخانه به غارت برود و در آن هنگامه که هیچ کاری در تخلص کتابخانه نمیشد چاره [ای] جزء آن به نظر نرسید که جناب خان

رئیس معاون وزارت علوم حاضر را زحمت دادم به منزل خودم بخوانم شاید همراهی فرمایند که کتابخانه با همه ملزومات به مدرسه دارالفنون تحویل شود و از خطر غارت نجات یابد ممنونم که فقط جناب ایشان قبول این تقاضا را فرموده فوراً فرستادم صندوق و گاری بردند و همه کتابها و لوازمات را با فهرست کتب و دفتر حساب [یک سر] به مدرسه تحویل کردند چنان که اکنون همه آنها در مدرسه حاضر و موجود است. در اوقات هیئت مدیره لازم دانستم با بودن مترجم الملک مجدداً و تحقیقاً بحساب کتابخانه رسیدگی شود لهذا با حضور خان‌رئیس و نصره‌السلطان و آقا شیخ محمدعلی و حاجی سیدابوالحسن و مترجم الملک و غلام‌رضا خان حساب‌ها را رسیدند. ثانیاً مهمور و مختوم مہر حاضرین بحاجی سید ابوالحسن سپرده شد و اکنون همه کس میتواند جزئیات امر کتابخانه را بفهمند و برسند و با همه صحت ترتیبات کتابخانه باید بگویم من فقط نظارت در امور داشتم و ابداً پیرامون مباشرت کارهای کتابخانه نگشتم بلی دخالت در کارها داشتم تقاضای پاره [ای] کتب از مردم بود که بتوسط من بموجب قبض صاحبانش تحویل کتابخانه شد. و همچنین بهمت مخربرالسلطنه زیاده بر هزار تومان تحصیل وجوه اعانه شد که هنوز مبلغی از آن وجوه نزد ایشان است و مبلغی نزد جهانیان است و مبلغ دویست تومان نزد جناب مؤتمن الملک که کمک فرمودند کسانیکه الساعه تعهد اداره کردن کتابخانه را میکنند می‌توانند همه آنها را جمع‌آوری نمایند و همه معاونین و شرکاء و وکلاء قدیم و جدید کتابخانه را مطلع میسازم هر نحو رسیدگی یا اقدامی را که برای اداره کردن کتابخانه در نظر داشته باشند ممکن است باستحضار وزارت علوم معمول و مبدول دارند. در این موقع لازم است که جناب مترجم الملک را یادآور شوم که برحسب وظیفه که بر عهده داشته‌اند لازم میشود صورت حساب‌ها را موافق ریز مفصل طبع و نشر کنند تا هرکس بجمیع جزئیات حساب آگاه شود. از معاون وزارت علوم درخواست میکنم در جمیع مراتب معروضه خصوص امر کتابخانه اقدامات خودشان را کامل کنند و اطلاعاتشان را مشروحاً بمجلس برسانند...»

شش سال پس از این واقعه موضوع کتابخانه ملی طهران هنوز در جریان و بحث داغ جامعه آن روزگار است و ازین رو در روزنامه آفتاب مجدداً این واقعه تعریف و به سالم و در امان بودن اسباب، لوازم و کتاب‌های این کتابخانه اشاره می‌گردد:

«... همه وقت موافق ترتیباتی که در نظامنامه کتابخانه مقرر شده بود از صبح تا شام برای پذیرایی مقدم واردین و طالبین حاضر و رغبت اهالی عموم و آقایان محصلین و ترقی خواهان خصوصاً نسبت به کتابخانه به حد وفور و جمع کثیری همه‌روزه در کتابخانه حاضر می‌شدند و از کتب موجوده و روزنامه‌جات مجاناً استفاده می‌کردند. مخارج مقرر هم مقداری که با اعانه که از طرف هیئت مؤسسه و آقایان دیگر داده می‌شد و مقداری هم از مال المنافع تنخواهی که موجود بود می‌گذشت و در مدت دو سال و پنج ماه که کتابخانه دایر و باز بود، ابداً اقدامی و اتفاقی که برخلاف انتشار باشد در کتابخانه واقع نگردید... کتابخانه ملی نیز حسب الامر کلنل لیاخوف عنفاً به تصرف قزاقها درآمد و سه روز متوالی کتابخانه در تصرف آنها بود و از مستخدمین کتابخانه کسی جرئت ایاب و ذهاب و پرسش نداشت. تا

۱. روزنامه مجلس، سال چهارم، شماره ۳، دوشنبه ۲۳ شعبان ۱۳۲۸ق، ص ۲ و روزنامه مجلس، سال چهارم، شماره ۴، دوشنبه ۲۵ شعبان ۱۳۲۸ق، ص ۲.

پایان کار کتابخانه ملی طهران

هرچند انتقال اسباب و اثاثیه و کتاب‌های کتابخانه به مدرسه دارالفنون در بحبویه انقلاب مشروطه تصمیم درستی برای حفظ و حراست از اموال کتابخانه بود، اما این انتقال و تعطیلی موقت کتابخانه بسیار به‌درازا کشید تا جایی که در این میان صدای عده‌ای بلند شد و عده‌ای نیز دست به قلم شده و برخی منصفانه و برخی نیز غیرمنصفانه به‌گلایه و شکایت از این تعطیلی مطالبی در جرید آن روزگار نوشتند.

حدود دو سال پس از تعطیلی موقت کتابخانه ملی طهران موضوع بازگشایی مجدد آن در روزنامه مجلس مطرح می‌گردد و از وزارت معارف خواسته می‌شود تا امکان راه‌اندازی مجدد این کتابخانه هرچه سریعتر فراهم گردد و حتی پیشنهاد می‌شود که اگر مشکل مکان کتابخانه و لوازم آنرا دارید بهتر است که یکی از اتاق‌های دارالفنون را برای اینکار اختصاص دهید. (مدرک شماره ۱۰) اما این گله‌مندی‌ها و پیشنهادها راه بجایی نبرده و کتابخانه بازگشایی نمی‌گردد.

۷۷

آینه پژوهش | ۲۰۷
سال ۳۵ | شماره ۳
مرداد و شهریور ۱۴۰۳

مدرک شماره ۱۰

[اشاره‌ای به سابقه فعالیت کتابخانه ملی]

[جمادی الثانی ۱۳۲۸ق]

«زیاده از چهار سال است که به‌همت جمعی غیرتمندان وطن‌خواه یک کتابخانه ملی در تهران دائر گردیده و چند هزار کتاب فراهم نموده و به‌علاوه یک‌هزار و پانصد تومان متجاوز نیز برای آن که از منافع این مبلغ، مخارج کتابخانه داده شود، نیز اعانه جمع‌آوری نمودند و اخیراً این کتابخانه در مقابل مدرسه سپهسالار ناصری دائر بود و به علم و ادب فوائد مهم می‌رسانید. در موقع بمباردمان مجلس مقدس مستخدمین کتابخانه بعضی گرفتار و بعضی فراری شده و بالاخره مساعی وزارت علوم به‌زحمات زیاد کتاب و اساسیه آنرا ضبط کرده و در مدرسه دارالفنون امانت گذارند. چون تخریب مشروطیت باعث تخریب این کتابخانه شده بود، عموماً متوقع بودند که به‌مجرد رجعت مشروطیت مجدد کتابخانه مثل قبل دائر شده و از یک مهد علمی که می‌تواند خدمات کلی بنماید از بین نرفته و اگر در تمام بلاد عالم کتابخانه‌های متعدد که هرکدام صدهزارها کتاب و آثار علمی را حاوی است، وجود دارد لاقلاً در تهران که پایتخت و مرکز مملکت است یک کتابخانه به این مختصری که نمونه فقط از کتابخانه‌های دنیا است دائر بشود.

مع التأسف تاکنون چندان که منتظر شدیم از افتتاح آن اثر و خبری ندیدیم ناچار بدین یادداشتی مختصر اولیاء وزارت جلیله معارف را متذکر می‌سازیم که خوب است این محبوس بدبخت را بعد از دو سال حبس و توفیق از ذلت خلاص فرموده زودتر دائر فرمایند. فرضاً هم که تهیه منزل و لوازم مشکل باشد یکی از اطاق‌های دارالفنون را مخصوص آن ساخته زیادبر این کتب را معطل و بی‌فائده نگذارند.»

در یکی از تندترین نقدهای نوشته شده در این خصوص در روزنامهٔ ملانصرالدین^۱ فردی با نام مستعار «تریاک» طی یادداشتی با عنوان «آقای مقدس» سیدنصرالله تقوی را مورد انتقاد قرار داده و او را به خوردن اموال و پول‌های کتابخانهٔ ملی طهران محکوم می‌کند. (تصویر شمارهٔ ۸) این یادداشت و انتقاد آنقدر برای سیدنصرالله تقوی و دیگر اعضای مجلس شورای ملی گران می‌آید که موضوع یکی از جلسات مجلس شورای ملی گشته و تقوی ضمن اشارهٔ مفصل بدان در این جلسه درصدد پاسخ به نقدهای نگاشته شده در این مجله در دفاع از خود و دیگر اعضای مؤسس کتابخانهٔ ملی طهران برمی‌آید. (مدرک شمارهٔ ۹)

در این سالها هرازچندگاهی توسط اعضای کتابخانه جلسات تشکیلی می‌گردد و تلاش‌هایی برای بازگشایی این کتابخانه صورت می‌گیرد، اما به دلایلی موفقیتی حاصل نمی‌گردد و تنها اتفاقی که می‌افتد ارائه گزارش‌هایی از این جلسات در روزنامه‌های آن روزگار است که با هدف اطلاع‌رسانی به مردم برای آگاهی از این تلاش‌ها و شفافیت هرچه بیشتر در خصوص عملکرد اعضای کتابخانه است.

از آنجایی که افراد مختلفی طی سالهای تأسیس تا تعطیلی کتابخانه وجوهی را به اعضای کتابخانه داده بودند این نگرانی وجود داشت که حالا پس از گذشت قریب به ۴ سال از تعطیلی این کتابخانه تکلیف این وجوه و اسباب و اثاثیه چه می‌شود. ازینرو جلسه‌ای در روز دوشنبه چهارم جمادی‌الاول سال ۱۳۳۰ق با حضور اعضای مؤسس کتابخانهٔ ملی طهران در ساختمان وزارت معارف و در حضور معاون این وزارتخانه تشکیل می‌گردد تا در این خصوص و موضوع بازگشایی کتابخانهٔ ملی طهران با یکدیگر گفتگو کنند. از جمله مسائل و دغدغه‌های مهم این اعضاء اعانه‌ها و سرمایه گردآوری شده برای ادارهٔ کتابخانه بود که پس از بحث و گفتگو در این خصوص تصمیم گرفته می‌شود که همهٔ این وجوه تجمیع و به تجارتخانهٔ طومانیانس تحویل داده و رسید دریافت کنند. در گزارشی که بعد از این جلسه در روزنامهٔ آفتاب منتشر می‌شود ضمن گزارش این اقدام تضمین داده می‌شود که «یک دینار از مالیه این کتابخانه از میان نرفته است». (مدرک شمارهٔ ۱۱)

۱. روزنامهٔ ملانصرالدین، شمارهٔ ۲۹، ۲۱ رجب ۱۳۲۸ق، ص ۷.

مدرک شماره ۱۱

[گزارشی از وضعیت کتابخانه ملی]

[۱۱ جمادی‌الاول ۱۳۳۰ق]

«راجع به کتابخانه ملی چنانچه خاطر محترم آقایان مستحضر است این کتابخانه در اواخر سلطنت شاهنشاه سعید نورالله مضجعه به همت بعضی از آقایان معارف‌پرور ایجاد و تأسیس و تا زمان استبداد صغیر دایر و برقرار بود. در اوقات بمباردمان مجلس برای اینکه مبدا به کتابخانه آسیبی برسد، وکلاء کتابخانه، اثاثیه و متعلقات و کتب را به وزارت جلیله معارف نقل و توقیف کردند تا پس از اینکه اوضاع بهبودی حاصل کرد با ترتیب و اساس مستحکم‌تری مجدداً دایر نمایند. گرفتاری و پیشآمدهای این ایام وکلاء کتابخانه موفق به انجام این مقصود نکرد. هرچند در مدت تعطیل کتابخانه چندین مرتبه وکلاء مجمع کرده و برای دایر کردن آن مذاکره و اقدام لازم نمودند ولی هنوز به مقصود اصلی نرسیده‌اند و امید است که در مدت کمی به‌طوری که آقای وکلاء محترم کتابخانه جدیت دارند کتابخانه دایر شود.

روز دوشنبه چهارم شهر حال [جمادی‌الاول] در وزارت جلیله معارف وکلاء محترم: جناب آقای حاج سیدنصرالله سادات اخوی، آقای حاج سیدابوالحسن، آقای آقا‌شیر محمدعلی، آقای نصرت‌السلطان، آقای منطق‌الملک، آقای سردار سعید، آقای مترجم‌الملک، آقای شیخ‌الملک به اتفاق آقای معاون وزارت جلیله معارف حضور به هم رسانیده در خصوص وجوه کتابخانه مذاکرات نمودند و قرار شد وجوه کتابخانه را که متفرق است به یک مرکز جمع‌آوری نموده به تجارتخانه طومانیانس تحویل داده قبض رسید دریافت دارند و در جلسه دیگر که در دوشنبه ۱۱ شهر حال است، مجدداً در وزارت جلیله معارف آقایان مفصله حضور به هم رسانیده اقدامات و مذاکرات خود را تعقیب نمایند.

چون خاطر محترم غالب اهالی مسبوق بود که سابق این کتابخانه وجود داشته است و چون اغلب آقایان مشترکین و کسانی که اعانه به کتابخانه داده‌اند لازم بود از ترتیب کتابخانه مسبوق باشند، لهذا عرض میکنیم کمتر اساسی به این سلامت و صحت باقی مانده است و اطمینان میدهم که با این انقلابات متوالیه اخیره مملکت، یک دینار از مالیه این کتابخانه از میان نرفته است. تمام کتب و وجوه و اثاثیه کتابخانه از روی ثبت و دفاتر خود کتابخانه صحیحاً سالملاً موجود است. البته از درستی و امانت وکلاء محترم کتابخانه همین انتظارات می‌رفت و البته یک چنین امری که راجع به معارف و محل مذاقه و نظر آقایان فوق‌الذکر بوده، ولو موقتا گرفتار یک تعطیل و توقف ضروری هم شده باشد، بدیهی است نقصان پذیر نخواهد بود و ما از حسن نیت و اقدامات وطن‌دوستانه این هیات محترم کمال تشکر را داریم و بعد از تحقیقات مفصلاً نتیجه اقدامات آقایان را به نظر قارئین و مشترکین خواهیم رساند.

۷۹

آینه پژوهش | ۲۰۷

سال ۳۵ | شماره ۳

مرداد و شهریور ۱۴۰۳

مدرک شماره ۱۲

[گزارش شروع به کار کتابخانه ملی]

[۲۵ ذی‌قعدة ۱۳۳۱ق]

«کتابخانه ملی که در زمان بمباردمان مجلس شورای ملی اساس آن از هم پاشیده گردیده و برهم خورد، به‌تازگی در تحت نظارت ۸ نفر از معارف‌پروران تشکیل خواهد گردید و تأسیس آن برای اشخاصی است که میل به قرائت کتب و روزنامه‌جات و غیره دارند که به آن محل رفته مجاناً استفاده حاصل نمایند.»^۲

۱. روزنامه آفتاب، سال اول، شماره ۳۱، ۱۱ جمادی‌الاول ۱۳۳۰، ص ۲.

۲. روزنامه برق، ش ۵، ۲۵ ذی‌قعدة ۱۳۳۱، ص ۲.

موضوع بازگشایی این کتابخانه در همه این سالها همواره مطرح بوده و هرازگاهی نوید بازگشایی مجدد آن نیز مطرح می‌گردیده است (مدرک شماره ۱۲) اما از قرار معلوم موانع مختلفی برای بازگشایی این کتابخانه وجود داشته که احتمالاً بزرگترین آنها مکانی مناسب برای چنین کتابخانه‌ای بوده است. در اواخر سال ۱۳۳۱ ق بار دیگر مؤسسين کتابخانه ملی گردهم آمده و طی جلساتی فعالیت‌های گذشته و اوضاع کنونی کتابخانه را مورد توجه قرار دادند. بر اساس گزارشی که در این زمینه در ۲۸ ذی‌الحجه ۱۳۳۱ ق. با حضور عده‌ای از رجال سیاسی و فرهنگی وقت قرائت گردید.^۱ ضمن تأکید بر سالم بودن اثاثیه تهیه شده و کتابهای اهدایی به کتابخانه آخرین صورت محاسبات مالی کتابخانه نیز ارائه می‌گردد.

«... چون هیئت مؤسس با اوضاع حالیه ممتنع می‌داند بتوان این قبیل اساسهای عمومی را با وجوه اعانه که به‌طور مشاهده پرداخته می‌شود دایر داشت، عقیده‌اش بر این است چنان‌که در زمان وزارت علوم آقای حکیم الممالک به مجلس مقدس شورای ملی پیشنهاد کرده بود مبلغی برای ایجاد یک کتابخانه تأسیس شود، اکنون نیز به دولت پیشنهاد شود که مصارف مقرر کتابخانه را پرداخته و یک نفر از هیئت مؤسس را مسئول خدمات و ترتیبات آن قرار دهند...»^۲

در یکی از آخرین گزارش‌ها در خصوص کتابخانه ملی طهران مجدداً وعده بازگشایی این کتابخانه داده می‌شود و حتی وعده داده می‌شود که «ما روز افتتاح کتابخانه ملی و مقام آن را عنقریب به عموم معارف پروران اطلاع و بشارت خواهیم داد» (مدرک شماره ۱۳)

مدرک شماره ۱۳

[نظراتی پیرامون خبر راه‌اندازی مجدد کتابخانه ملی]

[محررم ۱۳۳۲ ق]

«معارف‌پروران را بشارت

از قرار خبری که اخیراً به اداره ما رسیده است کتابخانه ملی که در چند سال قبل برحسب اقدام و همت جمعی از معارف‌پروران ایجاد و تأسیس و چند سال هم دایر بود، تا زمان بمباردمان مجلس که از ترس غارت سیلاخوری‌های آن زمان طبعاً تعطیل گردیده بود. حالا که امنیت عمومی الحمدلله حاصل شده است، مجدداً دایر خواهد شد. خاطر محترم غالب از قارئین ما مستحضر است که ایجاد این کتابخانه به‌واسطه یک عده از

۱. کتابخانه ملی از چهل سال پیش از تأسیس، ۷. به نقل از: روزنامه آفتاب، شماره ۲۵۲، ۲ محرم ۱۳۳۲، ص ۲.
۲. کتابخانه ملی از چهل سال پیش از تأسیس، ۷. به نقل از: روزنامه آفتاب، شماره ۲۵۲، ۲ محرم ۱۳۳۲، ص ۴.

مردمان امین، متدین، محترم، معارف‌پرور شده است و غالب از وزراء عظام و تجار و علماء و محترمین مملکت در این اساس فرید شرکت فرموده‌اند و فقط تأسیس این کتابخانه برای قرائت کتب مختلفه است که در آنجا موجود است و طلاب و محصلین یا اشخاصی که نمی‌توانند کتابی خریداری نمایند یا اینکه به دست نمی‌آورند. مثل همه جای دنیا در این کتابخانه آمده مجاناً بلاعوض قرائت می‌نمایند و مخارج آن به‌عهده خود کتابخانه است.

می‌توان گفت اولین اساس خیریه که در این مملکت بدون غل و غش مانده همین کتابخانه ملی است زیرا پس از پنج سال تعطیل با یک رونق و جلوه مخصوصی مجدداً دایر می‌شود در صورتی که یک مجلد از کتب آن عیب نکرده و نیز سرمایه نقدی از مبلغی افزوده شده است. این نیست مگر از درستی و صحت عمل و تدبیر و کلاه این کتابخانه از رجال معروف و طرف توجه و حسن ظن عامه می‌باشند. برای اینکه قارئین محترم ما آن اشخاص را بشناسند بی‌ضرر می‌دانیم که اسامی آنان را ذیلماً شرح دهیم. وکلاء یا مؤسسين هشت نفر از این قرارند:

آقای حاج سیدنصرالله نماینده سابق مجلس شورای ملی و عضو محترم محکمه عالی تمیز
آقای مترجم الملک رئیس سابق کابینه وزارت جنگ و رئیس کابینه فعلی وزارت داخله
نصرت السلطان نایب الایاله کرمان و معاون اداری ریاست مجلس شورای ملی
آقای سردار سعید رئیس قشون و نایب الایاله سابق خراسان
آقای مظفرالملک حاکم سابق همدان
آقای آقاشیخ محمدعلی تهرانی عضو محترم اداره اوقاف
آقای حاج سیدابوالحسن از تجار محترم
آقای مفتاح الملک کارگذار گیلان
ما روز افتتاح کتابخانه ملی و مقام آنرا عنقریب به عموم معارف‌پروران اطلاع و بشارت خواهیم داد و از آقایان و وکلاء محترم کمال امتنان و تشکر را داریم.»^۱

در این سال به نظر می‌رسد که اراده بیشتری برای بازگشایی کتابخانه ملی طهران وجود دارد، اما اعضای کتابخانه به این نتیجه رسیده‌اند که این موضوع بدون همکاری دولت و وزارت معارف امکان‌پذیر نمی‌باشد، لذا طی جلسه‌ای ضمن بررسی مجدد وضعیت مالی کتابخانه اعلام می‌کنند ادامه فعالیت کتابخانه ملی منوط به همکاری دولت با هیئت مؤسس و اختصاص مبلغی کمک هزینه برای مخارج کتابخانه است و در پایان مذاکرات این جلسه تصمیم گرفته می‌شود که:

«... اولاً تنخواه موجود کتابخانه ملی پس از وضع مخارج اخیره توقیف باشد تا در آتیه قرار مجدد از خرید خانه یا کتاب داده شود. ثانیاً آقایان علاءالملک و حکیم‌الملک و آقایان طباطبایی و حاج سیدنصرالله قبول کرده‌اند اقدامات لازمه در خصوص تحصیل مکان مخصوص از دولت برای کتابخانه ملی بفرمایند...»

۱. حبل‌المتین (کلکته)، سال ۲۱، شماره ۲۱، محرم ۱۳۳۲، ص ۴.

وزارت معارف و اوقاف پیشنهادی مبنی بر بازگشایی مجدد این کتابخانه در طبقه فوقانی دارالفنون را در هیئت وزراء مطرح می‌کند و هیئت وزراء با این موضوع موافقت نموده و آنرا تصویب می‌نماید:

«هیئت وزراء در جلسه پنجشنبه ۱۷ صفر ۱۳۳۲ بموجب پیشنهاد وزارت معارف و اوقاف تصویب نمودند که عمارت فوقانی دارالفنون که سابقاً عکاسخانه مرحوم عبدالله میرزا بوده برای تاسیس کتابخانه ملی و انتقال کتابخانه دارالفنون آنجا بوزارت معارف واگذار [واگذار] شود»

در تاریخ ۷ ربیع‌الأول سال ۱۳۳۲ ق طی حکمی خطاب به خزانه‌داری کل این موضوع پیگیری می‌گردد و قرار بر این می‌شود که کلیه کتاب‌های کتابخانه ملی طهران و کتابخانه مدرسه دارالفنون به این مکان منتقل و کتابخانه در آنجا دایر گردد. (مدرک شماره ۱۴) با پیگیری اعضای کتابخانه و موافقت وزارت معارف در ربیع‌الثانی ۱۳۳۲ ق اعلام می‌گردد که بخشی از عمارت فوقانی مدرسه دارالفنون که پیش از این عکاسخانه بوده مورد استفاده این کتابخانه قرار بگیرد:



تصویر ۹. عکاسخانه مبارکه دارالفنون بر بام مدرسه و محل اختصاص داده شده برای کتابخانه ملی طهران، عکس از میرزا احمد، ۱۲۹۶ ق آلبوخانه گلستان (تاریخ عکاسی و عکاسان پیشگان در ایران، ۷۸)

«... یک جزء از عمارت فوقانی مدرسه دارالفنون که عکاسخانه بود، برای کتابخانه ملی اختصاص داده شده از قراری که معلوم است وزیر معارف در نظر گرفته که کلیه کتابخانه دولتی را از آنجا قرار دهد و فعلاً هر قدر کتاب موجود است حمل بدانجا نمایند...»^۱

مدرک شماره ۱۴

دستور واگذاری عمارت فوقانی مدرسه دارالفنون به وزارت معارف برای راه‌اندازی کتابخانه ملی

[۷ ربیع‌الأول ۱۳۳۲]



دولت علیه‌ایران

[نشان شیر و خورشید مطبوعه دولتی]

وزارت معارف و اوقاف

نمره کتاب ثبت ۶۵۸۴

کارتن ۱۴ دوسیه ۷

ذکر نمره قبل

اداره

تهران..... بتاريخ ۱۴ دلو ۱۳۳۲

اسم نویسنده خان‌ملک صادره.....

خزانه‌داری گل

موافق تصویب‌نامه هیئت محترم وزراء مورخه ۱۷ صفر ۱۳۳۲ عمارت فوقانی دارالفنون که سابقاً عکاسخانه مرحوم عبدالله میرزا بوده برای تأسیس کتابخانه ملی و انتقال کتابخانه دارالفنون بآنجا بوزارت معارف واگذار شده است. خواهشمند است... نمائید فوراً عمارت مزبور را بتصرف وزارت معارف بپردازند که کتابخانه مزبور افتتاح شود. سواد تصویب‌نامه هیئت محترم وزراء هم در جوف فرستاده شد.

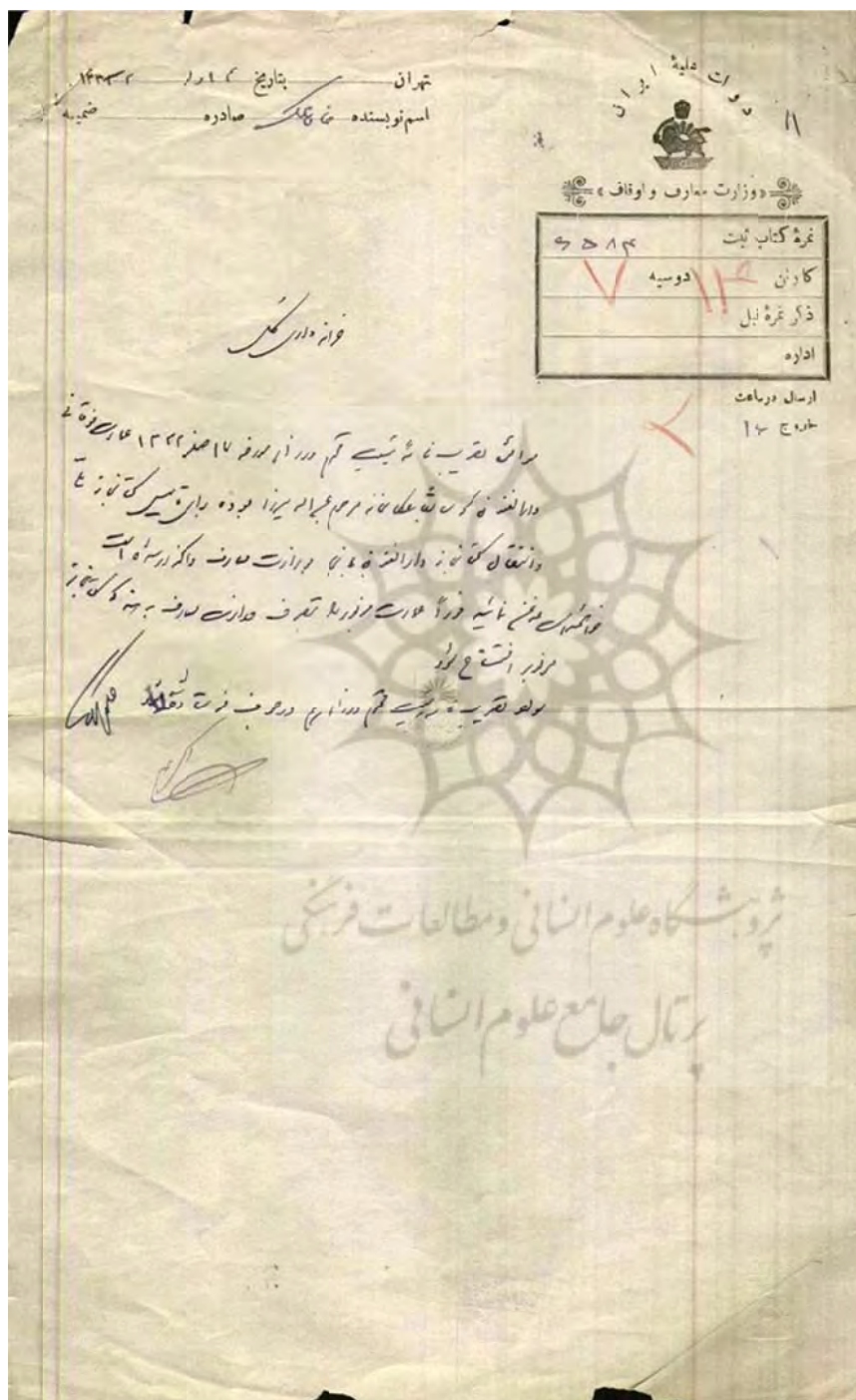
[امضاء]

[امضاء]^۲

بدین ترتیب به نظر می‌رسد که ازین تاریخ به بعد است که با ادغام کتابخانه مدرسه دارالفنون با دو کتابخانه مرکزی ملتی ایران و کتابخانه ملی طهران کتابخانه ملی ایران شکل می‌گیرد. کتابخانه‌ای که چون زیر نظر وزارت معارف و با بودجه این وزارتخانه فعالیت می‌نماید به نام کتابخانه معارف و یا کتابخانه وزارت معارف نیز مشهور می‌گردد. اما در همان زمان این کتابخانه هم در میان عوام و هم در برخی از محافل سیاسی و علمی به کتابخانه ملی نیز مشهور بوده است.

۱. کتابخانه ملی از چهل سال پیش از تأسیس، ۷. به نقل از: روزنامه شوری، ش ۱۵، ۱۶ ربیع‌الثانی ۱۳۳۲، ص ۲.

۲. سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، ش ۳۶۶۳۱/۲۹۷.



منابع

- آرامستان ظهیرالدوله، همایون عبدالرحیمی، تهران، جاویدان، بدرقه جاویدان، ۵۴۹ص، وزیری، ۱۳۹۹.
- اثرآفرینان: زندگینامه نام‌آوران فرهنگی ایران از آغاز تا سال ۱۳۰۰ هجری شمسی، محمدرضا نصیری، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، جلد پنجم، چاپ دوم ۱۳۸۴.
- اخبار و اعلان کتاب و کتابخانه به روایت مطبوعات ۱۲۸۵-۱۳۰۴، مسعود کوهستانی نژاد، تهران، خانه کتاب، ۷۹۲ص، رحلی، ۱۳۹۵.
- القاب رجال دوره قاجاریه، کریم سلیمانی، تهران، نشر نی، ۱۳۷۹.
- ایران و جهان از قاجاریه تا پایان عهد ناصری، عبدالحسین نوایی، تهران، مؤسسه نشر هما، جلد ۲، ۱۳۷۷.
- «برگی از تاریخ کتابخانه ملی»، سیدفرید قاسمی، نشر دانش، شماره ۸۱، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۳، صص ۲۷-۳۰.
- پژوهشگران معاصر ایران، هوشنگ اتحاد، تهران، فرهنگ معاصر، جلد ۶، ۱۳۷۸.
- تاریخ بیداری ایرانیان، محمد بن علی ناظم‌الاسلام کرمانی، تهران، امیرکبیر، ۳ جلد، ۱۳۸۴.
- تاریخ عکاسی و عکاسان پیشگان در ایران، یحیی ذکاء، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۶.
- جمعیت‌های سری و فرماسونری، امیر نجات، لس‌آنجلس، شرکت کتاب، ۲۰۱۰ م.
- دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، کاظم موسوی بجنوردی، تهران، مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، جلد دوم، ۱۳۸۳.
- دانشنامه خرم‌آباد، سیدفرید قاسمی، تهران، مؤلف، ۸۶۰ص، وزیری، ۱۳۹۴.
- «دست‌نوشته‌ای از نخستین سفیر ایران در آمریکا حاجی حسین‌قلی خان صدرالسلطنه معروف به حاجی‌واشنگتن»، ناصر افشارفر، مزدک‌نامه: (یادبود هفتمین سال درگذشت مهندس مزدک کیان‌فر)، خواهان جمشید کیان‌فر، پروین استخری، تهران، پروین استخری، ۱۳۹۳، صص ۵۱۳-۵۱۴.
- سوانح عمر، شمس‌الدین رشیدی، تهران، نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۲.
- فرهنگ داستان‌نویسان، حسن میرعابدینی، تهران، نشر چشمه، ۱۳۸۸.
- فهرست نسخه‌های خطی فارسی، احمد منزوی، تهران، مؤسسه فرهنگی منطقه‌ئی، جلد ششم، ۱۳۵۳.
- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه عمومی حضرت آیه‌الله العظمی مرعشی نجفی، سیداحمد حسینی، زیر نظر سید محمود مرعشی، قم، کتابخانه عمومی حضرت آیه‌الله العظمی مرعشی نجفی، جلد ۲۱، ۱۳۷۲.

قرائتخانه‌های ایران از آغاز تا سال ۱۳۱۱ شمسی، مسعود کوهستانی‌نژاد، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه، ۲۳۸ ص، ۱۳۸۲.

کتابخانه عمومی معارف، تعلیم و تربیت، سال سوم، شماره ۲، اردیبهشت ۱۳۰۶، صص ۱۰۱-۱۰۲.

«کتابخانه ملی از چهل سال پیش از تأسیس»، مسعود کوهستانی‌نژاد، جهان کتاب، شماره ۴۱ و ۴۲، شهریور ۱۳۶۷، صص ۸-۶.

گلزار خاموش: یادنامه بانو راضیه دانشیان (گلبن) همراه با مقالاتی درباره‌ی آن، محمد گلبن، تهران، رسانش، [۴۹۵] ص، ۱۳۷۹ ش.

